





۸

# پرتومی از نور

دقایقی با تفسیر قرآن

(برگرفته از تفسیر نور (۸))

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی ایران:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

پرتوی از نور (۸) دقایقی با تفسیر قرآن

ناشر: تهران / «مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن» / ۱۳۷۵.

۹۶ ص. ۴۰۰۰ ریال

ISBN : 978-964-5652-70-7 (دوره)

ISBN : 978-964-5652-83-6 (ج ۸)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا

کتابنامه به صورت زیر نویس.

دقایقی از تفسیر نور ج ۸ تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴



( ۸ )

## پرتوی از نور

دقایقی با تفسیر قرآن

(برگرفته از تفسیر نور جلد ۸)

ناشر:	مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
چاپ:	سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نوبت چاپ:	اول - زمستان ۱۳۸۶
شمارگان:	۱۰/۰۰۰ نسخه
قیمت:	۴۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۵۶۵۲-۸۳-۶

مرکز پخش ۱: تهران - تلفن و نمابر ۴-۶۶۳۶۳-۶۶۹۴

مرکز پخش ۲: تهران - تلفن و نمابر ۱-۸۸۹۲۶۲۷۰

[www.Qaraati.ir](http://www.Qaraati.ir)

## فهرست مطالب

### ● مباحث چند دقیقه‌ای

۱۱	رستگاران
۱۲	مفاسد زنا
۱۴	توبیخ و انتقادهای الهی
۱۵	نگاه و آداب نگاه کردن
۱۷	جانشینان خداوند در جهان
۲۰	ضرورت پیشگیری از فحشا
۲۳	عوامل گمراهی و انحراف
۲۴	آیین دوست‌یابی
۲۶	مهم‌جوریت قرآن
۲۸	آثار و دلایل نزول تدریجی قرآن
۲۹	اصحاب رس
۳۱	پیامدهای هواپرستی
۳۲	منحرفان پست‌تر از حیوانات
۳۴	علل سکوت امیرمؤمنان

۳۵	شعر و شاعران
۳۷	سیمای زیانکاران
۳۸	معجزات حضرت موسی
۴۰	تعلیمات ویژه الهی
۴۱	آداب مدیریت اسلامی
۴۴	فضایل امیرمؤمنان و اهل بیت
۴۶	ریشه ایمان به خدا
۴۷	شبهه زیارت پیامبر
۴۹	دایة الارض

● مباحث یک دقیقه‌ای

۵۲	سیمای قیامت در قرآن
۵۳	سیمای حج
۵۴	مصرف هدفمند
۵۵	قدرت در دست صالحان و فاسدان
۵۶	مردم و وسوسه‌های شیطان
۵۷	تنوع برنامه‌های سعادت‌بخش
۵۷	رستگاری و کشاورزی
۵۸	اهمیت زکات
۵۹	اهمیت امانت و امانتداری
۶۰	دلایل بهترین آفریدگار
۶۱	نوح و توجه به خدا
۶۱	شبهه پراکنی کفار
۶۲	امت یگانه

۶۲	مراحل تکامل معنوی انسان
۶۳	برخی شرایط مدیریت
۶۴	پیامدهای تأثیرپذیری حق
۶۴	جلوه‌های طغیان در افراد مختلف
۶۵	دلایل تأخیر عذاب
۶۶	تفاوت روزهای دنیا و آخرت
۶۶	اهداف آفرینش انسان
۶۷	زیانکاران
۶۸	یکپارچگی مسلمانان
۶۹	فواید و آفات زبان
۶۹	گام‌های شیطانی
۷۱	گواهی اعضای بدن در روز قیامت
۷۲	ثمرات حجاب و ترک جلوه‌گری
۷۳	ازدواج در روایات
۷۴	دستورات ملازم یکدیگر
۷۵	حجاب و موارد استثنای آن
۷۶	آثار توجّه و غفلت از خدا
۷۷	انگیزه‌های پرسیدن
۷۷	عوامل نسیان و غفلت
۷۸	آثار ظلم
۷۹	ترتیل در تلاوت قرآن
۸۰	انواع لباس و پوشش
۸۰	پاداش زحمات پیامبر
۸۱	گستره رحمت الهی

۸۲	اعتدال در انفاق
۸۲	عوامل مضاعف شدن کیفر
۸۳	اهمیت دعا
۸۵	خصوصیات کفار
۸۵	عوامل سعادت آفرین
۸۶	شفاعت در روایات
۸۶	آفت ساخت و ساز
۸۷	روش دعوت انبیا
۸۸	امتیازات قرآن
۸۸	نفی ظلم از خداوند
۸۹	تنوع وحی
۹۰	آتش در قرآن
۹۱	ویژگی‌های جنیان
۹۲	عمل صالح یا صالح بودن
۹۲	عوامل انحراف
۹۳	دلایل مستجاب نشدن دعا
۹۴	مراحل حیات
۹۵	رجعت و نمونه‌های آن در قرآن
۹۶	وسایل آرام‌بخش در قرآن



**مباحث چند دقیقه‌ای**





## رستگاران

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

(مؤمنون، ۱ - ۲)

قطعا مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند.

□ در قرآن افراد و گروه‌هایی رستگار و پیروز معرفی شده‌اند:

۱. عابدان. ﴿وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۱)</sup>  
پروردگارتان را پرستش کنید، شاید رستگار شوید.
۲. آنان که اعمالشان ارزشمند و سنگین است. ﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينَهُ فَوَلِّئْكَ هُمُ الْمَفْلِحُونَ﴾<sup>(۲)</sup>
۳. دوری کنندگان از بخل. ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَوَلِّئْكَ هُمُ الْمَفْلِحُونَ﴾<sup>(۳)</sup>
۴. حزب الله. ﴿إِلَّا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمَفْلِحُونَ﴾<sup>(۴)</sup> حزب خدا رستگارند.
۵. اهل ذکر کثیر. ﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۵)</sup> خدا را بسیار

۳. حشر، ۹.

۲. اعراف، ۸.

۱. حج، ۷۷.

۵. انفال، ۴۵.

۴. مجادله، ۲۲.

یادکنید تارستگار شوید.

۶. تقوا پیشگان. ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۱)</sup> ای

خردمندان! تقوا پیشه کنید تارستگار شوید.

۷. مجاهدان. ﴿وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۲)</sup> در راه خدا

جهاد کنید تارستگار شوید.

۸. توبه کنندگان. ﴿تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۳)</sup> ای اهل ایمان! همگی توبه کنید تارستگار شوید.

### مفاسد زنا

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا  
تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ  
الْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

(نور، ۲)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. و اگر به خدا و

روز قیامت ایمان دارید در اجرای دین خدا نسبت به آن دو

گرفتار دلسوزی نشوید و باید هنگام کیفر آن دو، گروهی از

مؤمنین حاضر و ناظر باشند.

□ برخی از مفاسد زنا، در یکی از سخنان امام رضا علیه السلام عنوان

شده، از جمله:

۱. ارتکاب قتل به وسیله سقط جنین.

۲. بر هم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی.

۳. ترک تربیت فرزندان.

۴. از بین رفتن موازین ارث.<sup>(۱)</sup>

\* علی علیه السلام ترک زنا را مایه‌ی استحکام خانواده و ترک لواط را عامل حفظ نسل می‌داند.<sup>(۲)</sup>

\* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زنا، دارای زیان‌های دنیوی و آخروی است:

اما در دنیا: از بین رفتن نورانیت و زیبایی انسان، مرگ زودرس و قطع روزی.

اما در آخرت: درماندگی، هنگام حساب قیامت؛ غضب الهی و جهنم همیشگی.<sup>(۳)</sup>

\* از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: هرگاه زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی هم زیاد می‌شود.<sup>(۴)</sup>

\* زنا نکنید، تا همسران شما نیز به زنا آلوده نشوند.

هر که به ناموس دیگران تجاوز کند، به ناموسش تجاوز خواهد شد. همان گونه که با دیگران رفتار کنید، با شما رفتار خواهد شد.<sup>(۵)</sup>

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جوز جو

\* چهار چیز است که هر یکی از آنها در هر خانه‌ای باشد آن خانه، ویرانه است و برکت ندارد: ۱. خیانت، ۲. دزدی، ۳. شرابخواری، ۴. زنا.<sup>(۶)</sup>

۱. بحار، ج ۷۹، ص ۲۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۳. بحار، ج ۷۳، ص ۳۷۲.

۴. بحار، ج ۷۶، ص ۱۹.

۳. بحار، ج ۷۷، ص ۵۸.

۵. بحار، ج ۷۶، ص ۲۷.

- \* زنا، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است.<sup>(۱)</sup>
- \* امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه مردم مرتکب چهار گناه شوند، به چهار بلا گرفتار شوند:
۱. زمانی که زنا رواج یابد، زلزله خواهد آمد.
  ۲. هرگاه مردم زکات نپردازند، چهار پایان به هلاکت می‌رسند.
  ۳. هرگاه قضاوت مسئولان قضایی، ظالمانه باشد، باران نخواهد بارید.
  ۴. زمانی که پیمان شکنی شود، مشرکان بر مسلمانان غلبه خواهند کرد.<sup>(۲)</sup>

### توبیخ و انتقادهای الهی

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ  
خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (نور، ۱۲)

- چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمت بزرگ و آشکار است؟
- در قرآن کریم، کلمه‌ی «لولا» در موارد متعددی برای انتقاد و توبیخ به کار رفته است که در این جا چند مورد را می‌آوریم:
۱. ﴿لَوْلَا يَأْتِيهِمُ الرَّبِّاتِيُونَ﴾<sup>(۳)</sup> چرا علما نهی از منکر نمی‌کنند؟!
  ۲. ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ﴾<sup>(۴)</sup> چرا هر شنیده‌ای را می‌پذیرید؟!
  ۳. ﴿لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءٍ﴾<sup>(۵)</sup> چرا برای سخن ناروای خود چهار شاهد نمی‌آورند؟

۱. بحار، ج ۷۶، ص ۱۹. ۲. بحار، ج ۷۶، ص ۲۱. ۳. مائده، ۶۳. ۴. نور، ۱۲. ۵. نور، ۱۳.

۴. ﴿لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ﴾<sup>(۱)</sup> چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید؟
۵. ﴿فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَانَا تَضَرَّعُوا﴾<sup>(۲)</sup> چرا زمانی که عذاب ما به آنان رسید، تضرع نکردند؟
۶. ﴿فَلَوْ لَا تَشْكُرُونَ﴾<sup>(۳)</sup> چرا شکرگزار نیستید؟
۷. ﴿فَلَوْ لَا تَصَدَّقُونَ﴾<sup>(۴)</sup> چرا تصدیق نمی‌کنید؟
۸. ﴿فَلَوْ لَا تَذَكَّرُونَ﴾<sup>(۵)</sup> چرا عبرت نمی‌گیرید؟
۹. ﴿فَلَوْ لَا تَفَرُّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ﴾<sup>(۶)</sup> چرا از هر فرقه‌ای دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟

### نگاه و آداب نگاه کردن

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ

أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (نور، ۳۰)

به مردان مؤمن بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم‌پوشی کنند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاکتر ماندن آنان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است.

\* حضرت علی عليه السلام فرمود: «لَكُمْ أَوَّلَ نَظْرَةٍ إِلَى الْمَرْئَةِ فَلَا تَتَّبِعُوهَا بِنَظْرَةِ أُخْرَىٰ وَاحْذَرُوا الْفِتْنَةَ» نگاه اول مانعی ندارد؛ ولی ادامه‌ی نگاه اشکال دارد؛ زیرا سبب فتنه می‌شود.<sup>(۷)</sup>

\* در حدیثی می‌خوانیم: تمام چشم‌ها در قیامت گریان است مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که از گناه بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند.<sup>(۸)</sup>

۱. نمل، ۴۶. ۲. انعام، ۴۳. ۳. واقعه، ۷۰.

۴. واقعه، ۵۷. ۵. واقعه، ۶۲. ۶. توبه، ۱۲۲.

۷. تفسیر کنزالدقائق. ۸. تفسیر کنزالدقائق.

\* در «صحیح بخاری» می‌خوانیم که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: جلو راه مردم نشینید. مردم گفتند: ما ناچاریم از نشستن فرمود: پس حق آن را ادا کنید. پرسیدند: حق آن چیست؟ فرمود: «عَضُّ الْبَصَرِ وَ كَفُّ الْأَذَى وَ رَدُّ السَّلَامِ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ» ترک چشم چرانی و مردم آزاری، جواب دادن به سلام دیگران، امر به معروف و نهی از منکر.

\* حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: از نگاه به نامحرم بپرهیزید که بذر شهوت را در دل می‌نشاند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است.<sup>(۱)</sup>

\* حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «الْعَيْنُ رَأْيُ الْقَلْبِ» چشم، دل را به دنبال خود می‌کشد. «الْعَيْنُ مَصَانِدُ الشَّيْطَانِ» چشم، قلاب شیطان و چشم پوشی بهترین راه دوری از شهوات است.<sup>(۲)</sup>

\* پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهْمِ ابْلِيسَ فَن تَرَكْهَا خَوْفًا مِنْ اللّٰهِ اَعْطَاهُ اللّٰهُ اِيْمَانًا يَجِدُ حِلَاوَةً فِي قَلْبِهِ»<sup>(۳)</sup> نگاه بد تیری از تیرهای مسموم شیطان است که هر کس از ترس خدا چشم خود را فروبندد خداوند به او ایمانی می‌دهد که از درون خویش شیرینی و مزه‌ی آن را احساس می‌کند.

\* پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هر کس چشم خود را از حرام پر کند، در قیامت چشم او از آتش پر خواهد شد مگر اینکه توبه کند.<sup>(۴)</sup>

\* امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره‌ی نگاه مجاز به زن نامحرم فرمود: «الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ وَالْقَدَمَيْنِ» یعنی نگاه به صورت و کف دست‌ها

۱. تفسیر روح البیان. ۲. غررالحکم. ۳. بحار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.

۴. بحار، ۷۶، ص ۳۳۶.



و روی پاها جایز است، (لکن بدون شهوت).<sup>(۱)</sup>

### جانشینان خداوند در جهان

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ  
فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ  
الَّذِي أَرْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي  
لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

(نور، ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند.

□ در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم: مصداق کامل این آیه، روز حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام است.<sup>(۲)</sup>

□ در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است، از جمله: سه مرتبه فرمود: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾<sup>(۳)</sup> یعنی اسلام بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد. در جای دیگری فرمود: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>(۴)</sup> یعنی

۱. تفسیر کنزالدقائق. ۲. تفسیر نورالتقلین.

۳. توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸ و صف، ۹. ۴. انبیاء، ۱۰۵.

بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد و در جای دیگری  
از قرآن کریم می خوانیم: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾<sup>(۱)</sup> یا می فرماید:  
﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>(۲)</sup>

□ مراد از جانشینی مؤمنان در آیه یا جانشینی از خداست و یا  
جانشینی از اقوام فاسد هلاک شده است.

□ «قُرطبی» در تفسیر خود، درباره‌ی پیروزی کامل اسلام چند  
حدیث نقل می‌کند و می‌گوید: در زمین خانه‌ای نخواهد بود  
مگر آن که اسلام در آن خانه وارد خواهد شد.

□ پیامبر اکرم ﷺ در آخرین حج خود در مسیر برگشت از مکه  
(روز هیجدهم ذی‌الحجه) در غدیر خم به فرمان خداوند  
حضرت علیؑ را جانشین خود قرار داد، آیه نازل شد امروز  
من اسلام را برای شما پسندیدم؛ ﴿رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾<sup>(۳)</sup>  
در این آیه نیز مورد وعده‌ی خداوند پیروزی آن دینی است که  
خدا پسندیده است؛ ﴿دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾ و دینی که خدا  
پسندیده و اعلام کرده، همان مکتب غدیر خم است.

□ پیام‌هایی که از این آیه استفاده می‌شود به این قرار است:  
۱. اسلام، دین آینده‌ی جهان است. آینده‌ی تاریخ به سود  
مؤمنان و شکست سلطه‌ی کافران است. ﴿وَعَدَاللّٰهُ... لِيُكَنِّنَ لَهُمْ  
دِينَهُمْ﴾

۲. به محرومان مؤمن، امید دهید تا فشار و سختی‌ها، آنها را  
مأیوس نکند. ﴿وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ آمَنُوْا﴾

۳. کلید و رمز لیاقت برای بدست گرفتن حکومت گسترده‌حق،

۱. طه، ۱۳۲. ۲. اعراف، ۱۲۸. ۳. مائده، ۳.

- تنها ایمان و عمل صالح است. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾  
 به کسانی که اهل ایمان و عمل باشند وعده‌ی پیروزی داده  
 شده، نه به آنان که تنها اهل ایمان باشند.
۴. دین، از سیاست جدا نیست، بلکه سیاست و حکومت برای  
 حفظ دین است. ﴿لِيَسْتَخْلَفَهُمْ ... يَعْبُدُونِي﴾
۵. در تبلیغ و ارشاد مردم، برای باور کردن آنان، بیان نمونه‌هایی  
 از تاریخ گذشته مفید است. ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ﴾
۶. پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. ﴿كَمَا اسْتَخْلَفَ  
 الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ﴾
۷. هدف از پیروزی و حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی  
 در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است. ﴿لِيَمُكِّنَنَّ لَهُمْ  
 دِينَهُمْ - لِيُيَدِّلَهُمْ - لَيَشْرَكُونَ﴾
۸. دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. ﴿وَعَدَّ اللَّهُ ... لِيَمُكِّنَنَّ لَهُمْ  
 - لِيُيَدِّلَهُمْ﴾
۹. دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. ﴿دِينَهُمَ الَّذِي  
 أَرْضَى لَهُمْ﴾
۱۰. امنیت واقعی، در سایه‌ی حکومت دین است. ﴿وَلِيُيَدِّلَهُمْ  
 مِن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾
۱۱. امنیت در جامعه‌ی اسلامی، شرایط مناسبی برای عبادت  
 فراهم می‌سازد. ﴿أَمْنَا يَعْبُدُونِي﴾ (هدف نهایی وعده‌های  
 الهی، عبادت خالصانه خداوند است)
۱۲. عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ‌گونه شرکی در کنار  
 آن نباشد. ﴿يَعْبُدُونِي لَيَشْرَكُونَ﴾
۱۳. در حکومت صالحان نیز، گروهی انحراف خواهند داشت.

﴿وعد الله ... و من كفر بعد ذلك﴾

### ضرورت پیشگیری از فحشا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ  
الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ  
الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَ مِن بَعْدِ صَلَاةِ  
الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ  
بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ  
لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نور، ۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بردگانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند در سه وقت از شما (برای ورود به اتاق) اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس از تن بیرون می‌کنید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت هنگام خلوت شماسست، در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می‌شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌کند و خداوند عالم و حکیم است.

□ اگر بار دیگر از اول سوره نگاهی به آیات آن بکنیم خواهیم دید که سیاست پیشگیری از فحشا در آیات نهفته است، مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید، (آیه ۱) ازدواج آنان را محدود کنید، (آیه ۳) اگر بدون چهار شاهد نسبت ناروا داده شد، هشتاد تازیانه بزنید، (آیه ۴) کسانی که به همسر پیامبر تهمت زدند عذاب عظیم خواهند داشت،

(آیه ۱۱) اگر تهمت را شنیدید برخورد کنید، (آیه ۱۲) هرکس اشاعه فحشا را دوست بدارد، عذاب الیم خواهد داشت، (آیه ۱۹) بدنبال گام‌های شیطان نروید، (آیه ۲۱) کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت، (آیه ۲۳) سخن زشت از افراد خبیث است نه شما، (آیه ۲۶) سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید؛ شما نیز بپذیرید و برگردید، (آیه ۲۷-۲۸) مردان و زنان چشم خود را از نامحرم پیش کشند و خیره نشوند، (آیه ۳۰-۳۱) زنان زیور خود را نشان ندهند و پایکوبی نکنند و برای ازدواج افراد بی‌همسر قیام کنید و از فقر نترسید، (آیه ۳۲) و در این آیه می‌فرماید: در ساعاتی که انسان با همسرش خلوت می‌کند حتی فرزندان و بردگان سرزده وارد نشوند. آری، تمام این دستورات برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زودرس و حفظ حریم و حیا و آبرو است.

□ پیام‌هایی که از این آیه استفاده می‌شود:

۱. مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ﴾
۲. محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد، وگرنه نیاز به اذن نبود. ﴿لِيَسْتَأْذِنَكُمْ﴾
۳. کودکی و بردگی بهانه‌ای برای شکست حریم دیگران نیست. ﴿لِيَسْتَأْذِنَكُمْ﴾
۴. مرد باید در طول شبانه روز، ساعاتی را به همسر خود اختصاص دهد و فرزندان مزاحم نشوند. ﴿لِيَسْتَأْذِنَكُمْ﴾
۵. کودکان نیز تکلیف دارند. ﴿لِيَسْتَأْذِنَكُمْ ... الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾

۶. اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین (که در همین آیه آمده است) و هم برای مسایل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه دارد.

۷. کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند.  
﴿لِیَسْتَأْذِنَکُمْ﴾

۸. تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. ﴿الَّذِیْنَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾

۹. در خانه، باید لباس کار و لباس بیرون را کنار گذاشت.  
﴿تَضَعُونَ ثِیَابَکُمْ﴾

۱۰. استراحت، بعد از ظهر و در میان ساعات کار، مفید و مناسب است. ﴿تَضَعُونَ ثِیَابَکُمْ مِنَ الظَّهِیرَةِ﴾

۱۱. تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد. ﴿قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ - بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ﴾

۱۲. تمام احکام الهی بر اساس حکمت است. ﴿عَلِیْمٌ حَکِیْمٌ﴾

## عوامل گمراهی و انحراف

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ  
أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَآؤُلَآءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ

(فرقان، ۱۷)

(و یاد کن) روزی که خداوند مشرکان و آنچه را به جای خدا می‌پرستیدند (در یک جا) محشور کند، پس (به معبودهای آنان) گوید:

آیا شما بندگان مرا گمراه کردید، یا خودشان راه را گم کردند؟

□ در قرآن، عوامل گمراهی و انحراف چنین معرفی شده‌اند:

۱. رفیق بد. «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ»<sup>(۱)</sup>، دوست بد مرا گمراه کرد.
۲. هوا و هوس. «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>(۲)</sup>، از هوسهای خود پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند.
۳. دانشمندان منحرف. «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بآيَدِهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»<sup>(۳)</sup>، مطالبی را با دست خود می‌نویسند و می‌گویند این از طرف خداوند است.
۴. رهبران گمراه. «وَ أَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ»<sup>(۴)</sup>، فرعون قوم خود را گمراه کرد.
۵. شیطان. «إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ»<sup>(۵)</sup>، قطعاً شیطان گمراه کننده آشکاری است.
۶. اکثریت گمراه. «وَ إِنْ تُطِعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْآرِضِ يُضِلُّوكَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>(۶)</sup>، اگر از اکثریت کسانی که در زمین هستند پیروی نمایی، تو را از راه خدا منحرف می‌کنند.

۱. فرقان، ۲۹. ۲. ص، ۲۶. ۳. بقره، ۷۹.

۴. طه، ۷۹. ۵. قصص، ۲۵. ۶. انعام، ۱۱۶.

۷. والدین گمراه. ﴿إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا... وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ﴾<sup>(۱)</sup>، همانا ما والدین خود را بت پرست یافتیم و به آنان اقتدا کردیم.

### آیین دوست یابی

و يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ  
الرَّسُولِ سَبِيلاً \* يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلاً \* لَقَدْ  
أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ  
خَذُولاً (فرقان، ۲۷ - ۲۹)

و روزی که ستمکار (مشرک) دو دست خود را (از روی حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر همراه می‌شدم. ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم. رفیق من بعد از آن که حق از طرف خدا برای من آمد، مرا گمراه ساخت. و شیطان هنگام امید، انسان را رها می‌کند.

□ اسلام برای دوستی و انتخاب دوست، سفارش‌های زیادی دارد و دوستی با افرادی را تشویق و از دوستی با افرادی نهی کرده است. برخی از عنوان‌های فرعی موضوع «دوست و دوستی» به این شرح است:

راه‌های شناخت دوست، مرزهای دوستی، ادامه‌ی دوستی، قطع دوستی، انگیزه‌های دوستی، آداب معاشرت با دوستان و حقوق دوست که برای هر یک آیات و روایات بسیاری است و ما به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

\* اگر در شناخت کسی به تردید افتادید، به دوستانش بنگرید که چه افرادی هستند. «فانظروا الی خُلَطَائِهِ»<sup>(۲)</sup>

۱. زخرف، ۲۳. ۲. بحار، ج ۷۴، ص ۱۹۷.



\* تنهایی، از رفیق بد بهتر است.<sup>(۱)</sup>

\* از پیامبر ﷺ پرسیدند: بهترین دوست کیست؟ فرمود: کسی که دیدارش شمارا به یاد خدا بیندازد، و گفتارش به علم شما بیفزاید و کردارش یاد قیامت را در شما زنده کند.<sup>(۲)</sup>

\* حضرت علی علیه السلام فرمود: هنگامی که قدرتت از بین رفت، رفقای واقعی تو از دشمنان شناخته می‌شوند.<sup>(۳)</sup>

\* حضرت علی علیه السلام فرمود: رفیق خوب، بهترین فامیل است.<sup>(۴)</sup>

\* در حدیث آمده است: دوستت را در مورد غضب، درهم، دینار و مسافرت آزمایش کن. اگر در این آزمایش‌ها موفق شد، دوست خوبی است.<sup>(۵)</sup>

در شعر شاعران نیز درباره‌ی دوست و دوستی، بسیار سخن به میان آمده و به معاشرت و همنشینی با دوستان خوب بسیار سفارش شده است؛

همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید  
و از همنشینی با دوستان بد مذمت شده است، رفیق بد به مار خوش خط و خالی تشبیه شده است که زهری کشنده در درون دارد؛

تا توانی می‌گریز از یار بد  
یار بد بدتر بود از مار بد  
مار بد تنها تو را بر جان زند  
یار بد بر جان و بر ایمان زند  
یا دوست بد به ابر تیره‌ای تشبیه شده است که خورشید با آن

۱. بحار، ج ۷۷، ص ۱۷۳.  
 ۲. تفسیر قرطبی.  
 ۳. غرر الحکم.  
 ۴. غرر الحکم.  
 ۵. بحار، ج ۷۴، ص ۱۸۰.

عظمت را می پوشاند؛

با بدان منشین که صحبت بد گرچه پاکی تو را پلید کند  
آفتاب بدین بزرگی را پاره‌ای ابر ناپدید کند

### مهجوریت قرآن

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هُنَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

(فرقان، ۳۰)

پیامبر (در روز قیامت از روی شکایت) می گوید: پروردگارا! قوم

من این قرآن را رها کردند.

□ این آیه، از گلیه‌ی پیامبر اسلام ﷺ سخن می گوید و آن

حضرت چون «رحمة للعالمین» است نفرین نمی کند.

□ امام رضا علیه السلام فرمود: دلیل آن که در نماز، قرآن می خوانیم آن

است که قرآن از مهجوریت خارج شود.<sup>(۱)</sup>

□ در روایات آمده است: هر روز پنجاه آیه از قرآن را بخوانید و

هدفتان رسیدن به آخر سوره نباشد، آرام بخوانید و دل خود

را با تلاوت قرآن تکان دهید و هرگاه فتنه‌ها همچون شب

تاریک به شما هجوم آورند، به قرآن پناه برید.<sup>(۲)</sup>

□ به نظرم رسید اقرار بعضی بزرگان را درباره‌ی مهجوریت

قرآن نقل کنم:

الف) ملاصدرا علیه السلام در مقدمه تفسیر سوره واقعه می گوید: بسیار

به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آنجا که گمان کردم کسی

هستم؛ ولی همین که کمی بصیرتم باز شد، خودم را از علوم

واقعی خالی دیدم. در آخر عمر به فکر رفتم که به سراغ تدبیر

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. تفسیر نورالثقلین.

در قرآن و روایات محمد و آل محمد علیهم‌السلام بروم. یقین کردم که کارم بی‌اساس بوده است؛ زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم. از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید، تارحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبیر در قرآن کردم، در خانه‌ی وحی را کویدم، درها باز شد و پرده‌ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می‌گویند: «سلام علیکم طیبم فادخلوها خالدین».<sup>(۱)</sup>

ب) فیض کاشانی رحمته‌الله می‌گوید: کتاب‌ها و رساله‌ها نوشتم، تحقیقاتی کردم، ولی در هیچ یک از علوم دوائی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم، بر خود ترسیدم و به سوی خدا فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد.<sup>(۲)</sup>

ج) امام خمینی رحمته‌الله در گفتاری از اینکه تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده، تأسف می‌خورد و به حوزه‌ها و دانشگاه‌ها سفارش می‌کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه‌ی رشته‌ها، مقصد اعلیٰ قرار دهند تا مبادا در آخر عمر بر ایام جوانی تأسف بخورند.<sup>(۳)</sup>

□ «هجرت»، جدایی با عمل، بدن، زبان و قلب را شامل می‌شود.<sup>(۴)</sup>

□ رابطه‌ی میان انسان و کتاب آسمانی، باید دائمی و در تمام زمینه‌ها باشد، زیرا کلمه‌ی «هجرت» در جایی به کار می‌رود که

۱. مقدمه تفسیر سوره واقعه.

۲. رساله الانصاف.

۳. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰.

۴. مفردات راغب.

میان انسان و آن چیز رابطه باشد.<sup>(۱)</sup> بنابراین، باید تلاشی همه جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریت در آوریم و آن را در همه‌ی ابعاد زندگی، محور علمی و عملی خود قرار دهیم تا رضایت پیامبر عزیز اسلام را جلب کنیم.

□ نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر قرآن، محور قرار ندادن آن، تدبّر نکردن در آن، تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن، از مصادیق مهجور کردن قرآن است. حتی کسی که قرآن را فراگیرد؛ ولی آن را کنار گذارد و به آن نگاه نکند و تعهدی نداشته باشد، او نیز قرآن را مهجور کرده است.<sup>(۲)</sup>

### آثار و دلایل نزول تدریجی قرآن

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ

لِنُنَبِّئَكَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (فرقان، ۳۲)

و کسانی که کفر ورزیدند، (بهانه‌ی دیگری آورده و) گفتند: چرا (تمام) قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ (غافل از آن که ما) این گونه (نازل کردیم) تا دل تو را به وسیله‌ی آن استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر تو خواندیم.

□ نزول تدریجی قرآن حکیمانه و دارای ادله و آثاری است از جمله:

۱. نزول تدریجی، عامل ارتباط دائمی و مستمر پیامبر اکرم با سرچشمه‌ی وحی و مایه‌ی استواری او در راه است و بیانگر

۱. التحقیق فی کلمات القرآن.

۲. تفسیر المنیر.

- آن است که رسالت یک جرّقه‌ی مقطعی نیست.
۲. دین زنده و جامع آن است که با حوادث و مناسبت‌ها ارتباطی نیرومند داشته باشد، و حوادث و مناسبت‌ها هم به مرور پیدا می‌شود، نه یکدفعه.
۳. انجام همه‌ی اوامر و ترک همه‌ی نواهی یکدفعه برای عموم مردم سخت بود و سبب عُسر و حَرَج می‌شد.
۴. چون هر سوره و آیه‌ی قرآن به تنهایی یک معجزه است، بنابراین نزول تدریجی آن به منزله‌ی چندین معجزه‌ی پی در پی و هر معجزه‌ای مایه‌ی تسلی قلب پیامبر در برابر آزار دشمنان است.
۵. نزول هر آیه به مناسبت نیازی که پیدا می‌شود با نزول همه‌ی آیات بدون در نظر گرفتن نیازها، تفاوت بسیار است.
۶. بعضی آیات پاسخ سؤالات مردم است، پس اول باید سؤالش مطرح شود تا بعد آیه‌ای در پاسخ آن نازل شود.
۷. بعضی آیات و احکام برای مدّتی معین نازل شده است؛ لذا باید آیه‌ی ناسخ نازل شود.

### اصحاب رس

وَ عَادًا وَ ثَمُودًا وَ اصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا

(فرقان، ۳۸)

و قوم عاد و ثمود و اصحاب رَس و نسل‌های فراوان میان آنان را (هلاک کردیم).

□ درباره‌ی قوم «رَس» در تفاسیر مطالب زیادی آمده است از جمله: آنان همان قوم شعیب هستند، یا این که «رَس» شهری

است در «یمامه»، یا چاهی است در «انطاکیه» یا همان «رود ارس» است و یا غیر آن؛ ولی در کتاب «عیون اخبار الرضا» می‌خوانیم:

امام رضا علیه السلام فرمود: شخصی از حضرت علی علیه السلام درباره‌ی «اصحاب رس» پرسید، امام علیه السلام پاسخ داد: بعد از طوفان نوح، درختی به نام «شاه درخت» غرس شد. مردم (این درخت را مقدّس می‌دانستند و) در اطرافش دوازده قریه بنا کردند. نام قریه‌ها به نام ماه‌های ایرانی بود: فروردین، اردیبهشت، خرداد تا دوازده ماه، آنان هر ماه در یکی از قریه‌ها جشن و عید می‌گرفتند، البتّه در قریه‌ی اسفند، عیدشان با شکوه‌تر بود و جمعیت بیشتری جمع می‌شدند. در آن مراسم جشن، درختی را آتش می‌زدند و همین‌که دودش بالا می‌رفت به گریه و زاری می‌افتادند.

خداوند پیامبری برای آنان فرستاد و آنان را ارشاد کرد، او را تکذیب کردند، پیامبرشان نفرین کرد و آن درخت مقدّسشان خشک شد. پس از آن چاه عمیقی حفر کردند و پیامبر خدا را در آن افکندند و او را این‌گونه به شهادت رساندند.<sup>(۱)</sup> و در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «أین اصحاب مدائن الرّس الذین قتلوا الانبیاء»

۱. تفسیر کنزالدقائق.

## پیامدهای هواپرستی

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلاً

(فرقان، ۴۳)

آیا کسی که هوای نفس خود را معبود خود قرار داده است دیده‌ای؟ آیا تومی توانی وکیل او باشی (و به دفاع از او برخیزی و او را هدایت کنی)؟

\* هواپرستی، سرچشمه غفلت است. ﴿وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ

عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ﴾<sup>(۱)</sup>

\* هواپرستی، سرچشمه‌ی کفر است. ﴿مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ

هَوَاهُ﴾<sup>(۲)</sup>

\* هواپرستی، بدترین انحراف است. ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ

هَوَاهُ﴾<sup>(۳)</sup>

\* هواپرستی، مانع قضاوت عادلانه است. ﴿فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ

بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ﴾<sup>(۴)</sup>

\* هواپرستی، سرچشمه‌ی فساد است. ﴿لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ

لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾<sup>(۵)</sup>

\* هواپرستی، سرچشمه‌ی غصه‌هاست.

\* هواپرست، ایمان ندارد.

\* هواپرست، بی عقل است.

\* آغاز فتنه‌ها پیروی از هوسها و ایجاد بدعت‌ها می‌باشد.

\* هوا و هوسها انسان را کور و کور کرده، قدرت تشخیص حق

۱. کهف، ۲۸. ۲. طه، ۱۶. ۳. قصص، ۵۰.

۴. ص، ۲۶. ۵. مؤمنون، ۷۱.

را می‌گیرد.

\* شجاع‌ترین مردم کسانی هستند که بر هوس‌های خود غلبه کنند.

\* پیامبر ﷺ فرمود: هوارا بدان سبب هوا ناامیده‌اند که صاحب خود را فرو می‌افکند.<sup>(۱)</sup>

### منحرفان پست‌تر از حیوانات

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا

كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (فرقان، ۴۴)

آیا گمان می‌کنی که اکثر کفار (حق را) می‌شنوند و (در آن)

می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه گمراه‌ترند.

(زیرا ارزش انسان به تعقل و بینش اوست).

□ سؤال: چرا انسان منحرف از چهارپایان بدتر است؟

پاسخ: ۱. حیوان نمی‌تواند بیش از آنچه که هست رشد کند؛ ولی انسان می‌تواند و زمینه و امکانات رشد کاملاً برای او فراهم است.

۲. حیوان عقل ندارد تا خوب و بد را بفهمد و حق و باطل را بشناسد؛ ولی انسان‌های منحرف با داشتن عقل، آن را زیر پا گذارده و بر اساس هوس عمل می‌کنند.

۳. حیوان از یک غریزه‌ی ثابت پیروی می‌کند؛ ولی انسان منحرف از صدها هوی و هوس.

۴. انسان منحرف، هم کج می‌رود و هم انحراف خود را توجیه می‌کند.

۱. مجموعه احادیث از میزان الحکمة می‌باشد.



۵. حیوان، نسبت به کسی که به او محبت کند رام است، ولی انسان منحرف نسبت به خدای مهربان کفر می‌ورزد و بسیار ناسپاس است.

۶. حیوانات، تسبیح آگاهانه دارند؛ ﴿كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ﴾<sup>(۱)</sup> اما انسان‌های منحرف، اهل ذکر و تسبیح نیستند و از خدا غافل‌اند.

۷. حیوانات، استحقاق عذاب الهی را ندارند، ولی انسان منحرف به قهر او گرفتار خواهد شد.

در حدیث آمد که یزدان مجید

خلق عالم را سه گونه آفرید

یک گروه را جمله عقل و علم و جود

او فرشته است و نداند جز سجود

یک گروه دیگر از دانش تهی

همچو حیوان از علف در فربهی

این سوم هست آدمی زاد بشر

نیم از او فرشته و نیمی ز خر

آن دو قوم آسوده از جنگ و خراب

وین بشر با دو مخالف در عذاب

یک گروه مستغرق مطلق شده

همچو عیسی با ملک ملحق شده

نقش آدم لیک معنا جبرئیل

رسته از خشم و هوا و قال و قیل

قسم دیگر با خران ملحق شدند  
 خشم محض و شهوت مطلق شدند<sup>(۱)</sup>  
 آدمی زاده طرفه معجونى است  
 کز فرشته سرشته وز حیوان  
 گر رود سوی این، شود به از این  
 ور رود سوی آن، شود پس از آن

### علل سکوت امیر مؤمنان

قَالَ فَعَلْتَهَا إِذَا وَ أَنَا مِنَ الصَّالِينَ \* فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ  
 فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ

(شعراء، ۲۰ - ۲۱)

(موسی) گفت: آن (قتل) را زمانی انجام دادم که از سرگشتگان بودم. و چون از شما ترسیدم از نزد شما گریختم، سپس پروردگارم به من حکمت (و دانش) بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

□ از امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدند: چرا بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حق خود را با شمشیر نگرفتید، و چرا همان گونه که با طلحه و زبیر و معاویه جنگ کردید با خلفای پیش از خود جنگ نکردید؟ حضرت فرمود: گاهی سکوت لازم است. مگر ابراهیم به مردم نفرمود: من از شما کناره می‌گیرم: ﴿وَاعْتَرِلْكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup> مگر هارون نفرمود: ﴿إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعَفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي﴾<sup>(۳)</sup> مردم مرا به ضعف کشاندند و نزدیک بود مرا بکشند؟ مگر یوسف نفرمود: ﴿رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ

۱. مولوی.

۲. مریم، ۴۸.

۳. اعراف، ۱۵۰.

الی<sup>(۱)</sup> پروردگارا! زندان برای من بهتر از استجابت تقاضای آنهاست؟ مگر پیامبر اکرم در غار نرفت و من جای او نخواهیدم؟ مگر موسی نفرمود: «فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ» همین که ترسیدم فرار کردم، و مگر حضرت لوط ع در برابر تقاضای گنهکاران نفرمود: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوَى إِلَىٰ زُكْنٍ شَدِيدٍ»<sup>(۲)</sup> ای کاش قدرتی داشتم (تا شما را از این عمل ننگین باز می‌داشتم) و یا به جایگاه محکم و امن پناه می‌بردم (و از شر شما در امان بودم).<sup>(۳)</sup> بنابراین سایر اولیای خدا نیز گاهی در شرایطی مجبور به سکوت و انزوا می‌شدند.

### شعر و شاعران

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ \* أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ  
يَهِيمُونَ \* وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

(شعراء، ۲۲۴-۲۲۶)

(پیامبر اسلام شاعر نیست، زیرا) شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند. آیا ندیدی که آنان در هر وادی سرگشته می‌روند؟ و مطالبی می‌گویند که به آن عمل نمی‌کنند؟

□ مطالبی درباره‌ی شعر و شاعران به مناسبت آیات آخر این سوره بیان می‌کنیم:

\* از تفسیر بیضاوی نقل شده: چون اشعار جاهلیت بیشتر پیرامون خیالات، توصیف زنان زیبا، معاشقه و افتخارات بیهوده یا بدگویی و تعرض به ناموس دیگران بوده این آیات

۱. یوسف، ۳۳. ۲. هود، ۸۳. ۳. تفسیر نورالثقلین.

- نازل شده است. ﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾
- \* تفاوت میان حکیم و شاعر آن است که حکیم ابتدا معانی را در نظر می‌گیرد و بعد الفاظ را به کار می‌برد؛ ولی شاعر ابتدا قالب و الفاظ را در نظر می‌گیرد، سپس معانی را بیان می‌کند.<sup>(۱)</sup>
- \* در روایات، شعر خوبی که از حقّ طرفداری کند، از جهاد با سر نیزه برتر شمرده شده و مورد ستایش قرار گرفته است.<sup>(۲)</sup>
- \* رسول اکرم ﷺ فرمود: بعضی از بیان‌ها همچون سحر و بعضی از شعرها حکمت است.<sup>(۳)</sup>
- \* پیامبر اکرم ﷺ به شاعر متعهدی به نام «حَسَّان» فرمود: روح القدس با توست.<sup>(۴)</sup>
- \* پیامبر ﷺ در یکی از سفرها، «حَسَّان» را فراخواند که شعر بخواند. او می‌خواند و حضرت گوش می‌دادند. حضرت دستور دادند: جایگاه مخصوصی برای «حَسَّان» در مسجد باشد.<sup>(۵)</sup>
- \* امام صادق علیه السلام به یاران خود می‌فرمود: کودکان خود را با شعر «عَبْدی» آشنا کنید که او شاعری خوب و مکتبی است.<sup>(۶)</sup>
- \* امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس برای حَقَّانیت ما یک بیت شعر بسراید، خداوند در بهشت خانه‌ای به او عطا می‌کند.<sup>(۷)</sup>
- \* امام صادق علیه السلام فرمود: خواندن شعر برای روزه‌دار و کسی که در حال احرام یا در منطقه حَرَم است، مکروه می‌باشد و نیز

۱. لغت‌نامه دهخدا. ۲. تفسیر کنزالدقائق. ۳. تفسیر المنیر.  
 ۴. تفسیر کنزالدقائق. ۵. تفسیر روح المعانی.  
 ۶. تفسیر کنزالدقائق. ۷. بحار، ج ۷۹، ص ۲۹۱.

خواندن شعر در روز یا شب جمعه کراهت دارد.<sup>(۱)</sup>  
 \* در روایات می‌خوانیم: راست‌ترین شعر در زمان جاهلیت  
 این بوده است:

الاکل شیء ما خلا الله باطل

و کلّ نعیم لا محالة زائل<sup>(۲)</sup>

بدانید که هر چیز، جز خداوند باطل است و هر نعمتی دیر یا  
 زود از بین خواهد رفت.

\* در روایت آمده است: همین که آیه‌ی «وَالشُّعْرَاءُ یَتَّبِعُهُمُ...»  
 نازل شد، گروهی از شاعران مسلمان نگران خود شده، نزد  
 پیامبر اکرم آمدند. حضرت فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ یَجَاهِدُ بِسِیْفِهِ وَ  
 لِسَانِهِ» یعنی مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می‌کند.<sup>(۳)</sup>

### سیمای زیانکاران

إِنَّ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَیِّنًا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ یَعْمَهُونَ

\* أُولَئِکَ الَّذِینَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِی الْآخِرَةِ هُمْ

الْأَخْسَرُونَ (نمل، ۴ - ۵)

همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کارهای (زشت)شان را  
 زیبا جلوه می‌دهیم تا (همچنان) سرگشته باشند. آنان کسانی  
 هستند که برای ایشان عذاب بد (و دردناک) خواهد بود و آنان در  
 قیامت زیانکارترین افرادند.

□ زیانکاران چند نوع هستند:

الف) خاسر، کسی که عمرش تباه شده است. «قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِینَ

۲. تفسیر مواهب العلیه.

۱. وسائل، ج ۷، ص ۱۲۱.

۳. تفسیر منهج الصادقین.

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ ﴿١﴾

ب) در حال خسران، کسی که اهل ایمان و عمل صالح نباشد.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (۲)

ج) خسران مبین، کسی که با تزلزل بندگی خدا می‌کند. ﴿إِنْ

أَصَابَهُ خَيْرٌ أطمأنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ أَنقلبَ عَلٰی وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ (۳)

د) اخسرون، کسانی که منحرف‌اند و گمان می‌کنند راه درست

می‌روند. ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ

يَحْسَبُونَ صُنْعًا﴾ (۴)

\* در روایات می‌خوانیم: اخسرون، کسانی هستند که زکات

نمی‌پردازند، برگناه اصرار می‌ورزند، قدرت حق گفتن دارند؛

ولی نمی‌گویند، ظالم‌ترین افرادند.

با ضایع کردن دین، دنیای خود را اصلاح می‌کنند.

### معجزات حضرت موسی

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تَمْسَعِ

آيَاتِ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

(نمل، ۱۲)

و دستت را در گریبان کن؛ سفید و درخشانده خارج شود، بی‌آنکه

عیبی در آن باشد؛ (این معجزه) در زمره‌ی معجزات نه‌گانه به سوی

فرعون و قومش (آمده است) که آنان قومی فاسق هستند.

□ مراد از معجزات نه‌گانه، معجزاتی است که موسی عَلَيْهِ السَّلَام در

۱. زمر، ۱۵. ۲. عصر، ۲. ۳. حج، ۱۱.

۴. کهف، ۱۰۴.

برابر فرعون آورده وگرنه حضرت موسی معجزات بیشتری داشته است؛ ضمناً هر معجزه‌ای را می‌توان دو معجزه به حساب آورد؛ زیرا اژدها شدن عصا یک معجزه است و برگشتن اژدها به عصا، معجزه‌ای دیگر، لکن قرآن یک طرف را معجزه دانسته است؛ لیکن معجزات نه‌گانه موسی عبارت است از:

۱. «ید بیضاء» (درخشیدن دست).
  ۲. اژدها شدن عصا.
  ۳. طوفان کوبنده برای دشمنان.
  ۴. «جَرَاد» (تسلط ملخ بر زراعت‌ها و درختان).
  ۵. «قُلُوب» (نوعی آفت نباتی که غلات را نابود می‌کرد).
  ۶. «ضَفَادع» (هجوم قورباغه‌ها از رود نیل به زندگی مردم).
  ۷. «دَم» (ابتلای تمامی مردم به خون دماغ؛ یا به رنگ خون در آمدن آب رود نیل).<sup>(۱)</sup>
  ۸. قحطی و خشکسالی.<sup>(۲)</sup>
  ۹. شکافته شدن دریا.<sup>(۳)</sup>
- \* معجزات دیگر موسی عَلَيْهِ السَّلَام عبارتند از: فوران دوازده چشمه از سنگ<sup>(۴)</sup> نزول مَنِّ و سَلْوٰی<sup>(۵)</sup> (شیره‌ی مخصوص و لذیذ درختان - مانند گزانگبین - و مرغان مخصوص، شیهه کبوتر).

۱. اعراف، ۱۳۳. ۲. اعراف، ۱۳۰. ۳. بقره، ۵۰.  
 ۴. بقره، ۶۰. ۵. بقره، ۵۷.

## تعلیمات ویژه الهی

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

فَصَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (نمل، ۱۵)

و به راستی به داوود و سلیمان دانشی (ویژه) عطا کردیم، و آن

دو گفتند: ستایش، مخصوص خداوندی است که ما را بر

بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.

▣ خداوند علوم خاصی را به افراد خاصی داده و در قرآن از

آنها یاد کرده است از جمله:

۱. آدم، علوم همه‌ی اشیا. ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾<sup>(۱)</sup>
۲. خضر، علوم باطنی و تأویل. (تا موسی شاگردش شود) ﴿هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تَعَلِّمَنِي...﴾<sup>(۲)</sup>
۳. یوسف، علم تعبیر خواب. ﴿عَلَّمَنِي رَبِّي﴾<sup>(۳)</sup>
۴. داوود، علم زره‌سازی. ﴿وَعَلَّمَنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ﴾<sup>(۴)</sup>
۵. سلیمان، علم زبان پرندگان. ﴿عَلَّمَنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ﴾<sup>(۵)</sup>
۶. معاون سلیمان، علمی که با آن تخت سلطنتی را از کشوری به کشور دیگر می‌آورد. ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ﴾<sup>(۶)</sup>
۷. طالوت، علوم نظامی. ﴿وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾<sup>(۷)</sup>
۸. رسول اکرم و سایر انبیا، علوم غیب. ﴿فَلَا يَظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِّن رَّسُولٍ﴾<sup>(۸)</sup>

۱. بقره، ۳۱.	۲. کهف، ۶۶.	۳. یوسف، ۳۷.
۴. انبیاء، ۸۰.	۵. نمل، ۱۶.	۶. نمل، ۴۰.
۷. بقره، ۲۴۷.	۸. جن، ۲۶ - ۲۷.	



## آداب مدیریت اسلامی

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ  
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا  
تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

(نمل، ۱۹)

پس (سلیمان) از سخن این مورچه با تبسمی خندان شد و گفت:  
پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به  
والدینم بخشیده‌ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می‌پسندی  
انجام دهم و در سایه‌ی رحمت خود، مرا در زمره‌ی بندگان  
شایسته‌ات وارد کن.

۱. یکی از اصول و شرایط رهبری و مدیریت، سعه‌ی صدر است. حضرت سلیمان جمله‌ی «لایشعرون» را آن هم از مورچه‌ای می‌شنود، ولی به روی خود نمی‌آورد و لبخند می‌زند. ﴿فَتَبَسَّمَ﴾
۲. انتقاد و حرف حق را از هر کس بشنوید و از آن استقبال کنید. (سلیمان سخن مورچه را پسندید) ﴿فَتَبَسَّمَ﴾ انتقادپذیری، یک ارزش است.
۳. خداوند اولیای خود را تحت تربیت مخصوص خود قرار می‌دهد. ﴿و هم لایشعرون - فتبسم﴾ خداوند، سلیمان را با آن مقام و سلطنتش گرفتار حرف یک مورچه می‌کند تا بدین وسیله در وجود او تعادل برقرار کند.
۴. زمانی باید شاد و خندان باشیم که حتی مورچه‌ها به عدالت ما امیدوار باشند. ﴿و هم لایشعرون - فتبسم﴾

۵. خنده‌ی انبیا، تبسم است نه قهقهه. سلیمان در حالی که خنده‌اش گرفته بود، تبسم کرد. ﴿تَبَسُّمٌ ضَاحِكًا﴾
۶. سلیمان سخنان مورچه را فهمید و به زیردستان خود توجه کرد. ﴿مَنْ قَوْلَهَا﴾
۷. دعا، مخصوص هنگام اضطرار نیست؛ انبیا در اوج عظمت و قدرت دعا می‌کردند. ﴿رَبِّ﴾
۸. توفیق شکرگزاری را از خدا بخواهیم. ﴿رَبِّ اَوْزَعْنِي اَنْ اَشْكُرَ﴾
۹. انسان در برابر نعمت‌هایی که تاکنون به او رسیده باید شکر کند و در برابر مسئولیت آینده باید به فکر عمل صالح و جلب رضای خداوند و ملحق شدن به نیکان باشد. ﴿اَشْكُرُ - اَعْمَلُ صَالِحًا...﴾
۱۰. فرزندان، هم باید در مقابل نعمت‌هایی که خداوند به آنان داده شکر کنند و هم در مقابل نعمت‌هایی که به والدین آنان داده است. ﴿عَلِيٌّ وَّ عَلِيٌّ وَالِدَيَّ﴾
۱۱. شکر خدا تنها با زبان نیست، عمل صالح و استفاده‌ی صحیح از نعمت‌ها نیز شکر الهی است. ﴿اَشْكُرُ... اَعْمَلُ صَالِحًا﴾
۱۲. سلیمان با آن که لشکریان فراوان و حاکمیت قوی دارد و زبان حیوانات را نیز می‌داند، باز به فکر عمل صالح است نه به دنبال لذت و توسعه‌ی قدرت و افتخار. ﴿اَعْمَلُ صَالِحًا﴾
۱۳. دعا و تلاش حاکمان باید برای انجام کار خوب باشد. ﴿اَعْمَلُ صَالِحًا﴾
۱۴. کار و تلاش، به شرطی نیک است که خداپسند باشد. ﴿صَالِحًا تَرْضَاهُ﴾
۱۵. کار نیکی ارزش دارد که رضای خدا را جلب کند، نه فقط

رضای مردم را. ﴿صالحاً ترضاه﴾

۱۶. عالی‌ترین مقصد در حکومت صالحان، رضای خداوند است. ﴿ترضاه﴾

۱۷. انبیا نیز به امداد الهی نیاز دارند. ﴿اوزعنی... ادخلنی﴾

۱۸. زندگی در جامعه صالح ارزش است، نه زندگی در میان مردم ناصالح، آن هم به خاطر رفاه یا درآمد و لذت. ﴿ادخلنی... فی عبادك الصالحین﴾

۱۹. برخورداری از امکانات، و قدرت امروز خود را نشانه‌ی رسیدن به رحمت الهی ندانید و برای رشد و تعالی خود دعا کنید. ﴿و ادخلنی﴾

۲۰. امکانات انسان، نتیجه‌ی کار او نیست؛ بلکه از رحمت الهی سرچشمه می‌گیرد. ﴿برحمتك﴾

۲۱. هرکس، در هر شرایطی باید به رحمت الهی متوسل شود، حتی پیامبران. ﴿برحمتك﴾

۲۲. تکروی، ممنوع. ﴿و ادخلنی برحمتك فی عبادك الصالحین﴾

## فضایل امیرمؤمنان و اهل بیت

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ  
إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي  
لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن  
كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ  
(نمل، ۴۰)

کسی (به نام آصف بن برخیا) که به بخشی از کتاب (الهی) آگاهی داشت (سلیمان) گفت: من آن (تخت) را قبل از آن که پلک چشمم بهم بخورد نزد تو می آورم. (سلیمان پذیرفت و او تخت را آورد.) همین که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود مستقر دید، (به جای غرور و تکبر) گفت: این (توانایی وزیر من که مقداری از علم کتاب و اسم اعظم را می داند) از لطف پروردگار من است، تا مرا (با این نعمت‌ها) بیازماید که آیا شکرگزارم یا کفران می کنم؟ و هر کس شکر کند، قطعاً به سود خویش شکر ورزیده و هر کس کفران نماید (به ضرر خویش گام نهاده، زیرا) پروردگار من (از شکر مردم) بی نیاز و کریم است. (بی نیازی و کرامت، برای خدا ذاتی است و هرگز وابسته به شکر یا کفران کسی نیست).

\* در آیه‌ی مورد بحث می فرماید: کسی که بخشی از علم کتاب را داشت، گفت: ای سلیمان! قبل از به هم زدن یک چشم، من تخت ملکه‌ی سبأ را از کشورش در این جا حاضر می کنم؛ اما در آیه‌ی آخر سوره‌ی رعد، خداوند به پیامبرش می فرماید: کفار، رسالت تو را قبول ندارند، به آنان بگو کافی است که خداوند و کسی که تمام علم کتاب را دارد، میان من و شما گواه باشد. در روایات می خوانیم: مراد از کسی که تمام علم

کتاب را دارد، علی بن ابی طالب علیه السلام است. اگر کسی که بخشی از علم کتاب را می‌داند تخت بلقیس را در یک آن حاضر می‌کند، پس کسی که تمام علم کتاب را می‌داند، در تمام عمر چه قدرتی دارد؟

\* امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آگاهی کسی که بخشی از علم را داشت، نسبت به علم علی علیه السلام، مثل مقدار آبی است که بر بال یک مگس باشد نسبت به دریا.<sup>(۱)</sup>

\* در روایات می‌خوانیم: امام صادق علیه السلام به سینه‌ی مبارکش اشاره کرد و فرمود: «و عندنا والله علم الكتاب كله» به خدا سوگند تمام علم کتاب نزد ما موجود است.<sup>(۲)</sup>

\* در روایات بسیاری می‌خوانیم: امامان معصوم علیهم السلام خارج از قید زمان و مکان در مناطقی حاضر می‌شدند، مثلاً: امام جواد علیه السلام، در لحظه‌ی شهادت پدرش از مدینه به طوس رفت.

امام کاظم علیه السلام، از زندان بغداد بیرون آمد و در مدینه حاضر شد.

امام سجاد علیه السلام، در زمان اسارت، به کربلا رفت و بدن پدرش امام حسین علیه السلام، را دفن کرد.

امام حسین علیه السلام، قبل از شهادت، قبضه‌ی خاکی از کربلا برداشت و در مدینه به ام‌السلمه داد.<sup>(۳)</sup> بنابراین طی الارض و حرکت برق‌آسا برای امامان سابقه دارد.

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. تفسیر نورالثقلین. ۳. تفسیر اطیب البیان.

## ریشه ایمان به خدا

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ  
خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَعْلَاهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ

(نمل، ۶۲)

کیست که هرگاه درمانده‌ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند، و شما را جانشینان (خود در) زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می‌پذیرید.

▣ ریشه‌ی ایمان به خدا، عقل و فطرت است؛ لیکن مادیون می‌گویند: ریشه‌ی ایمان به خدا ترس است. یعنی انسان چون خود را در برابر حوادث عاجز می‌بیند، هنگام بروز حادثه‌ای تلخ، قدرتی را در ذهن خود تصوّر می‌کند و به آن پناه می‌برد. مادیون با این محاسبه، ایمان را زاییده‌ی ترس می‌دانند؛ اما اشتباه آنان این است که تفاوت رفتن به سوی خدا را با اصل ایمان به خدا نمی‌فهمند؛ مثلاً ما هنگام دیدن سگ و احساس خطر، سراغ سنگ می‌رویم؛ اما آیا می‌توان گفت: پیدایش سنگ به خاطر سگ است؟ همچنین ما هنگام اضطراب و ترس رو به خدا می‌رویم، آیا می‌توان گفت: اصل ایمان به خدا، زاییده‌ی ترس است؟

علاوه بر آنکه اگر سرچشمه‌ی ایمان ترس باشد، باید هرکس ترسو تر است، مؤمن تر باشد. در حالی که مؤمنان واقعی، شجاع‌ترین افراد زمان خود بوده‌اند و باید انسان در لحظاتی که احساس ترس ندارد، ایمانی هم نداشته باشد، در حالی که ما در لحظه‌هایی که ترس نداریم خدا را به دلیل عقل و فطرت

قبول داریم. در حقیقت ترس و اضطراب، پرده‌ی غفلت را کنار می‌زند و مارا متوجّه خدا می‌کند، لذا منکران خدا هرگاه در هواپیما یا کشتی نشسته باشند و خبر سقوط یا غرق شدن را بشنوند و یقین کنند که هیچ قدرتی به فریادشان نمی‌رسد؛ از عمق جان به یک قدرت نجاتبخش امید دارند. آنها در آن هنگام به یک نقطه و به یک قدرت غیبی دل می‌بندند که آن نقطه، همان خدای متعال است.

### شبهه زیارت پیامبر

إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا

(نمل، ۸۰)

مُذْبِرِينَ

بی‌شک، نمی‌توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی،  
و نمی‌توانی کران را آنگاه که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند،  
فراخوانی (و حقیقت را به آنان بفهمانی).

□ در تفسیر نمونه<sup>(۱)</sup> می‌خوانیم: فرقه‌ی وهابیون، آیه‌ی «أَنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ» را دستاویز تفکر انحرافی خود قرار داده، می‌گویند: پیامبر اکرم از دنیا رفته و هیچ سخنی را نمی‌شنود، بنابراین معنا ندارد که ما پیامبر را زیارت کنیم و خطاب به او مطالبی را بیان کنیم.

پاسخ فرقه‌ی مذکور این است که آیه در مقام یک تشبیه اجمالی است؛ نظیر تشبیه قلب سنگدلان به سنگ در تأثیر ناپذیری، «قلوبکم ... كَالْحِجَارَةِ»<sup>(۲)</sup> نه این‌که قلب آنان در همه چیز مثل سنگ است؛ زیرا قرآن، حیات برزخی را درباره‌ی

۲. بقره، ۷۴.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۳.

شهادا پذیرفته و نسبت به آن، روایاتی از شیعه و سنی نقل شده است:

۱. محمد بن عبدالوهاب در کتاب الهدیه السنیه، ص ۴۱، می‌گوید: پیامبر بعد از وفاتش دارای حیات برزخی، برتر از حیات شهادت و سلام کسانی را که به او سلام می‌دهند می‌شنود.

۲. روایات فراوانی در کتب شیعه و اهل سنت، در این زمینه آمده است که پیامبر و امامان علیهم‌السلام سخن کسانی را که بر آنها از دور و نزدیک، سلام می‌دهند می‌شنوند و پاسخ می‌دهند و حتی اعمال مردم بر آنان عرضه می‌شود.<sup>(۱)</sup>

۳. ما خود شاهد هزاران نمونه از توسلاتی هستیم که عین سخن و درخواست افراد متوسل، لباس عمل پوشیده است.

۴. در صحیح بخاری می‌خوانیم: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با کفار هلاک‌شده‌ی جنگ بدر گفتگو می‌کرد و همین که مورد سؤال عمر قرار گرفت، فرمود: «والذی نفس محمد بیده ما اتم باسمع» به خدایی که جانم در دست اوست، شما از آنان شنواتر نیستید.<sup>(۲)</sup>

۵. حضرت علی علیه‌السلام در پایان جنگ جمل فرمود: لاشه‌ی کعب بن سور را بنشانند، سپس به او که هلاک شده بود فرمود: وای بر تو که علم و دانش، تو را سودی نبخشید و شیطان تو را گمراه کرد و به دوزخ فرستاد!<sup>(۳)</sup>

۱. کشف الارتباب، ص ۱۰۹.

۲. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۹۷.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۲۴۸.



## دَابَّةُ الارض

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ

أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (نمل، ۸۲)

و هرگاه سخن (و وعده‌ی عذاب الهی) بر مردم حتمی شود، جنبنده‌ای را برای آنان از زمین بیرون آوریم تا با مردم سخن گوید، که همانا مردم آیات ما را باور نمی‌کردند.

□ در آیه، قرآینی است که نشان می‌دهد، این دابَّة موجود بسیار مهمی است، زیرا:

۱. در آستانه‌ی قهر الهی ظاهر می‌شود. «اذا وقع القول عليهم» اقتضای سخنان مهم آن است که از سرچشمه‌های مهم صادر شود.

۲. به نحو استثنایی پیدا می‌شود. «اخرجنا... من الارض»

۳. حرف می‌زند، «تکلمهم» قضاوت می‌کند و از آینده مردم خبر می‌دهد. «ان الناس كانوا...»

۴. حرف او همچون صوراسرافیل، آخرین سخن است. «اذا وقع القول»

۵. کلمه‌ی دابَّة، با تنوین، نشانه‌ی عظمت و بزرگی این موجود است.

۶. آیه‌ی بعد، مربوط به رجعت است که اولیای خدا قبل از قیامت زنده می‌شوند.

۷. آیه نمی‌گوید: «بآیات الله» بلکه می‌گوید: «بآیاتنا» گویا نشانه‌های او همان نشانه‌های خداوند است.

جمع‌بندی میان این قرائن که در ظاهر آیه است و روایات

متعددی که در تفاسیر آمده است، ما را به این حقیقت می‌رساند که بگوییم: مراد از «دَابَّةٌ مِنَ الْاَرْضِ»، حضرت علیؑ است. اوست که لایق است حرف آخر را بگوید و بر پیشانی بعضی، مهر عدم ایمان بزند و از آینده شوم گمراهان خبر دهد.

سؤال: آیا کلمه‌ی دابّه، مخصوص جنبنده‌های غیر انسانی نیست؟

پاسخ: خیر، در قرآن بارها کلمه‌ی دابّه به کار رفته که شامل انسان نیز می‌شود، نظیر «و ما من دابّة فی الارض الا علی الله رزقها»<sup>(۱)</sup>  
سؤال: آیا اطلاق کلمه‌ی جنبنده بر حضرت علیؑ توهین به آن حضرت نیست؟

پاسخ: هرگز؛ همان گونه که اطلاق کلمه‌ی «بَشَر» بر پیامبر توهین نیست و اطلاق کلمات «شیء، عالم، نور و وجود» بر خداوند جایز است؛ لیکن فرق است میان علم، نور و وجود خداوند با سایر افراد.

**مباحث یک دقیقه‌ای**

## سیمای قیامت در قرآن

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ  
حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ  
عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (حج، ۲)

روزی که آن (زلزله‌ی بزرگ) را مشاهده کنید (چنان ترس و وحشت و جودتان را فرا خواهد گرفت که) هر شیر دهنده‌ای، آن را که شیر می‌دهد فراموش کند و هر بارداری جنین خود را سقط کند، و مردم را مست می‌بینی، ولی مست نیستند، بلکه عذاب خداوند شدید است.

□ قرآن در معرفی سیمای قیامت، تعبیرات تکان دهنده‌ای دارد، از جمله:

- \* «يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا»<sup>(۱)</sup> روزی که کودکان را پیر می‌کند.
- \* «يَوْمًا عَبَسَاطٌ فَطِيرًا»<sup>(۲)</sup> روزی که عبوس و سخت است.
- \* «يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا»<sup>(۳)</sup> روزی که عذابش گسترده است.

---

۱. مزمل، ۱۷. ۲. انسان، ۱۰. ۳. انسان، ۷.

## سیمای حج

لِيَسْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ  
عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا  
الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (حج، ۲۸)

(مردم از هر منطقه‌ای به حج خواهند آمد) تا شاهد منافع  
گوناگون خویش باشند و در ایام مخصوص حج خدا را یاد کنند،  
به خاطر چهار پایان زبان بسته‌ای که رزقشان شده؛ پس از  
گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را اطعام کنید.

- \* حج، یک بسیج عمومی و مانور موحدان است.
- \* حج، چهره‌ی زیبای عشق و تعبد است.
- \* حج، زنده نگاه داشتن خاطرات و خدمات پیامبرانی  
همچون ابراهیم و اسماعیل و محمد است. (درود خداوند بر  
همه‌ی آنان باد)
- \* حج، مرکز اجتماعات بین المللی مسلمانان است.
- \* حج، مرکز ارتباط و تبادل اخبار و اطلاعات جهان اسلام  
است.
- \* حج، پشتوانه‌ی اقتصاد مسلمانان و ایجاد اشتغال برای ده‌ها  
هزار مسلمان است.
- \* حج، بهترین فرصت و زمان برای تبلیغات اسلامی، افشاگری  
توطئه‌ها، حمایت از مظلومان، براءت از کفار و ایجاد رعب و  
وحشت در دل آنان است.
- \* حج، بهترین فرصت و زمان برای توبه، یاد مرگ و معاد، از  
همه چیز بریدن و صحرای عرفات و مشعر را دیدن و در

انتظار مهدی موعود عجلایه نشستن است.

### مصرف هدفمند

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا  
اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَ  
أَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاها لَكُمْ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ (حج، ۳۶)

و (قربانی کردن) شترهای چاق را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر است، پس (هنگام قربانی) نام خدا را بر شتران در حالی که ایستاده‌اند ببرید، پس چون به پهلو افتادند (و جان دادند)، از (گوشت) آنها بخورید و به فقیر قانع و فقیری که روی سؤال ندارد اطعام کنید، بدین گونه حیوانات قربانی را برای شما (رام و) مسخر کردیم، تا شاید شکرگزاری کنید.

□ در اسلام، هر جا مسأله خوردن مطرح است، در کنارش وظیفه دیگری نیز ذکر شده است:

﴿كُلُوا... وَلَا تَسْرِفُوا﴾<sup>(۱)</sup> بخورید ولی اسراف نکنید.  
﴿كُلُوا... وَأَطْعِمُوا﴾<sup>(۲)</sup> بخورید و به دیگران بخورانید.  
﴿كُلُوا... وَعَلِّمُوا﴾<sup>(۳)</sup> بخورید و عمل صالح انجام دهید.  
﴿كُلُوا... وَاشْكُرُوا﴾<sup>(۴)</sup> بخورید و سپاس گزایید.

۱. اعراف، ۳۱. ۲. حج، ۳۶. ۳. مؤمنون، ۵۱. ۴. سبأ، ۱۵.

## قدرت در دست صالحان و فاسدان

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَ  
أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

(حج، ۴۱)

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند؛ و پایان همه‌ی امور برای خداست.

□ اگر قدرت و امکانات در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می‌کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند، ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾<sup>(۱)</sup> و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند، ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ﴾<sup>(۲)</sup> و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشاند. ﴿أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾<sup>(۳)</sup>

۳. قصص، ۴۱.

۲. بقره، ۲۰۵.

۱. علق، ۶.

## مردم و وسوسه‌های شیطان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى  
 الشَّيْطَانَ فِي أَمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ  
 يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (حج، ۵۲)

و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم، مگر این که هرگاه  
 آرزو می‌کرد (و برای پیشبرد اهداف الهی خود طرحی می‌ریخت)  
 شیطان در (طرح و) آرزوی او (مسائلی را) القا می‌کرد، لکن خداوند هر  
 چه را که شیطان القا می‌کرد از بین می‌برد، سپس آیات خود را  
 استحکام می‌بخشید و خداوند آگاه و حکیم است.

□ مردم در برابر وسوسه‌های شیطان چند دسته‌اند:

۱. افرادی وسوسه‌ی شیطان در روحشان کارساز است.

﴿يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾<sup>(۱)</sup>

۲. بعضی‌ها شیطان با آنان تماس می‌گیرد، ولی فوراً متوجه  
 می‌شوند و او را طرد می‌کنند. ﴿مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ  
 تَذَكَّرُوا﴾<sup>(۲)</sup>

۳. گروهی، شیطان همیشه با آنهاست. ﴿فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾<sup>(۳)</sup>

پیامبران الهی جزو هیچ یک از این سه دسته نیستند، آنان  
 معصومند و شیطان نه قرین آنهاست، نه در روحشان وسوسه  
 می‌کند و نه با آنان تماس می‌گیرد، شیطان در طرح و برنامه و  
 آرزوی آنان القائاتی دارد و ناگفته پیداست که حساب طرح  
 پیامبران و برنامه‌ها و اهدافشان، از حساب شخصی آنان  
 جداست.

۱. ناس، ۵. ۲. اعراف، ۲۰۱. ۳. زخرف، ۳۶.



## تنوع برنامه‌های سعادت بخش

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ

أَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (حج، ۷۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید.

□ برای سعادت انسان دو برنامه مطرح شده و رستگاری او در

انجام هر دو نوع عمل است:

الف) برنامه‌های ثابت مانند رکوع و سجود و نماز و عبادت‌های دیگر.

ب) برنامه‌های متغیّر و تابع زمان و مکان که در هر زمان کار خیر

مصادق خاصی دارد. «آمِنُوا ارْكَعُوا... وَاَفْعَلُوا الْخَيْرَ»

## رستگاری و کشاورزی

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

(مؤمنون، ۱ - ۲)

قطعاً مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند.

□ کلمه‌ی «فلاح» به معنای رستن است، شاید دلیل اینکه به

کشاورز، «فلاح» می‌گویند آن باشد که وسیله‌ی رستن دانه را

فراهم می‌کند. دانه که در خاک قرار می‌گیرد با سه عمل خود

را نجات می‌دهد و به فضای باز می‌رسد: اوّل آنکه ریشه‌ی

خود را به عمق زمین بند می‌کند. دوم این‌که مواد غذایی زمین

را جذب می‌کند. سوم آنکه خاک‌های مزاحم را دفع می‌کند.

آری، انسان هم برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی‌های مادّیات و هوسها و طاغوت‌ها باید مثل دانه همان سه عمل را انجام دهد: اوّل ریشه‌ی عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند. دوم از امکانات خدادادی آنچه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند. سوم تمام دشمنان و مزاحمان را کنار زند و هر معبودی جز خدا را با کلمه «لا اله» دفع کند تا به فضای باز توحیدی برسد.

### اهمیت زکات

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (مؤمنون، ۴)

و همان کسانی که زکات می‌پردازند.

\* زکات، یکی از پنج چیزی است که بنای اسلام بر آن استوار است.

\* در قرآن ۳۲ بار کلمه «زکات» و ۳۲ بار واژه «بَرَكَ» آمده، گویا زکات مساوی با برکت است.

\* پیامبر اکرم ﷺ افرادی را که زکات نمی‌دادند، از مسجد بیرون کرد.

\* حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در انقلاب بزرگ خود، با تارکین زکات می‌جنگد.

\* کسی که زکات ندهد، هنگام مرگش به او گفته می‌شود: یهودی بمیر یا مسیحی.

\* تارک زکات در لحظه‌ی مرگ از خدا می‌خواهد که او را به دنیا بازگرداند تا کار نیک انجام دهد، اما مهلت او پایان یافته است.

\* امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم زکات بدهند، هیچ فقیری در زمین باقی نمی‌ماند.

### اهمیت امانت و امانتداری

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

(مؤمنون، ۸)

و (مؤمنان رستگار) کسانی هستند که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند.

\* به نماز و روزه و حج مردم ننگرید، به صداقت و امانتداری آنان بنگرید.<sup>(۱)</sup>

\* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین لحظه‌های عمر خود به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ادّ الامانة الى البرّ و الفاجر فيما قلّ و جلّ حتى الخيط و الخيط» امانت را به صاحبش برگردان، چه نیکوکار باشد و چه گناهکار، ارزشمند باشد یا ناچیز، اگر چه مقداری نخ باشد و یا پارچه و لباسی دوخته شده.<sup>(۲)</sup>

\* همه‌ی نعمت‌های مادی، معنوی و سیاسی، امانت الهی هستند. (امام خمینی ره فرمود: جمهوری اسلامی، امانت الهی است)

\* قرآن کریم برخی از اهل کتاب را که امانتدار هستند، ستوده است. ﴿و من اهل الكتاب من ان تأمنه بقنطار يؤدّه اليك﴾<sup>(۳)</sup> اگر به برخی از اهل کتاب، مال فراوانی به امانت بسپاری، آن را به تو برمی‌گرداند.

۱. میزان الحکمه و سفینه البحار، واژه «امانت».

۲. بحار، ج ۷۷، ص ۲۷۳.

۳. آل عمران، ۷۵.

## دلایل بهترین آفریدگار

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً  
فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَاقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ  
مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ  
أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

(مؤمنون، ۱۲ - ۱۴)

و همانا ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را به صورت  
نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم. سپس از نطفه، لخته خونی  
آفریدیم، آن گاه لخته خون را پاره‌گوشتی ساختیم و پاره گوشت را به  
صورت استخوان‌هایی در آوردیم، و استخوان‌ها را با گوشت  
پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس شایسته‌ی تکریم و  
تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است.

□ دلایل بهترین خالق بودن خداوند بسیار است، از جمله:

- (الف) خالقیت او دایمی است.
- (ب) محدودیت به اشیاى خاصى ندارد.
- (ج) تنوع در آن نامحدود است.
- (د) از ساده‌ترین چیز مهم‌ترین را می‌سازد.
- (ه) مواد اولیه‌اش از خودش می‌باشد.
- (و) در ساختن تقلید نمی‌کند.
- (ز) پشیمانی و تردید در او راه ندارد.
- (ح) بر اساس رحمت می‌آفریند و ساخته‌هایش هدفدار است.
- (ط) ساخته او با نظام هستی هماهنگ است.

## نوح و توجه به خدا

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

(مؤمنون، ۲۹)

وبگو: پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرود آور که تو بهترین فرود آورندگان.

□ حضرت نوح در تمام مراحل زندگی به یاد خدا بود:

- \* در دعوت به توحید. ﴿اعبدواالله﴾<sup>(۱)</sup>
- \* در ساختن کشتی با الهام خدا. ﴿اصنع الفلك باعیننا ووحینا﴾<sup>(۲)</sup>
- \* در سوار شدن، با حمد الهی. ﴿فاذا استویت... فقل الحمدلله﴾<sup>(۳)</sup>
- \* در حرکت با نام خدا. ﴿بسم الله مجراها و مرساها﴾<sup>(۴)</sup>
- \* در توقف، با دعا به درگاه او. ﴿رب انزلنی﴾<sup>(۵)</sup>

## شبیه پراکنی کفار

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشْرًا مِّثْلَكُمْ لِنَّكُمْ إِذَا لَخَّاسِرُونَ \* أَيْعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ \* هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ

(مؤمنون، ۳۴ - ۳۶)

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، قطعاً زیانکارید. آیا (آن پیامبر) به شما وعده می‌دهد که وقتی مرید و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدید، شما (از قبر) بیرون آورده می‌شوید؟! دور است دور، آنچه به شما وعده داده شده است.

□ کفار و مشرکان با مطرح کردن شبهات و ارائه شعارهایی سعی در دور کردن مردم از پیامبران الهی داشتند، از جمله:

۱. مؤمنون، ۲۳. ۲. مؤمنون، ۲۷. ۳. مؤمنون، ۲۸. ۴. هود، ۴۱. ۵. مؤمنون، ۲۹.

- \* پیامبر یک انسان معمولی است. ﴿بَشَرًا﴾
- \* بر دیگران امتیازی ندارد. ﴿مِثْلَكُم﴾
- \* پیروی از پیامبران خسارت است. ﴿لِخَاسِرُونَ﴾
- \* قیامت و زندگی دوباره دور است. ﴿هِيَهَاتَ هِيَهَاتَ﴾ (چون انبیا مکرر و همیشه وعده‌ی قیامت می‌دادند، ﴿تَوَعَدُونَ﴾ مخالفان هم کلمه «هیئات» را تکرار کردند)
- آنچه ذکر شد، برخی شعارهای لجوجانه یا فریبنده‌ی کافران و حق‌ستیزان است. آنان با تبلیغات گسترده، پیروی از پیامبران را خسارت می‌دانند؛ ولی هدفشان این است که مردم را مطیع خود سازند و با شعار آزادی، ملت‌ها را به بردگی کشانند.

### اُمّت یگانه

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (مؤمنون، ۵۲)

و البته این اُمّت شما اُمّت واحدی است، و من پروردگار شما

هستم؛ پس، از من پروا کنید.

□ در جهان بینی دینی و از دیدگاه الهی تمام اُمّت‌ها در

حقیقت یک اُمّت هستند، ﴿أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ زیرا:

\* اصول دعوت همه‌ی پیامبران الهی یکی است.

\* نیازهای فطری و روحی و جسمی مردم یکی است.

\* خالق و پروردگار همه یکی است.

### مراحل تکامل معنوی انسان

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ

رَاجِعُونَ (مؤمنون، ۶۰)

و کسانی که (اموال خود را در راه خدا) می‌دهند آنچه را دادند، در حالی که دل‌هایشان ترسان است از این که سرانجام به سوی پروردگارشان باز می‌گردند.

□ تکامل معنوی انسان در چند مرحله صورت می‌پذیرد که در این آیات مطرح شده است:

مرحله‌ی اوّل؛ علم و شناختی که مایه‌ی خشیت شود. ﴿مَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾

مرحله‌ی دوم؛ ایمان عمیق و دایمی به آنچه درک کرده است. ﴿يُؤْمِنُونَ﴾

مرحله‌ی سوم؛ دوری از انواع شرک‌ها، مخفی و آشکار. ﴿لَا يَشْرِكُونَ﴾

مرحله‌ی چهارم؛ انفاق از آنچه خدا عطا نموده است. ﴿يُؤْتُونَ...﴾

مرحله‌ی پنجم؛ مغرور نشدن و دغدغه داشتن که مبادا کارم ناقص یا عملم مردود یا وظیفه‌ام چیزی دیگری باشد و در قیامت پاسخگو نباشم. ﴿قُلُوبِهِمْ وَجِلَةٌ﴾

### برخی شرایط مدیریت

وَلَا تُكَلِّفْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدِينَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ

لَا يُظْلَمُونَ (مؤمنون، ۶۲)

و ما هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی‌کنیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید (و بر کار مردم گواه است) و به آنان هیچ ستمی نمی‌شود.

□ برخی شرایط مدیریت در این آیه ذکر شده است، از جمله:

الف) آشنایی به توانایی افراد و واگذاری کار به مقدار توان آنان.

﴿وسعها﴾

ب) نظارت دقیق بر کار و وظایف آنان. ﴿کتاب ینطق بالحق﴾

ج) عدالت در تنبیه یا تشویق آنان. ﴿وهم لا یظلمون﴾

### پیامدهای تأثیرپذیری حق

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ

فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ

(مؤمنون، ۷۱)

و اگر حق، از هوس‌های آنان پیروی می‌کرد، قطعاً آسمان‌ها و

زمین و کسانی که در آنها هستند تباه می‌شدند، ولی ما قرآنی

به آنها دادیم که مایه‌ی یاد (وشرف و حیثیت) آنهاست، اما آنان

از این یاد رویگردانند.

□ اگر حق، تابع هوس‌های مردم باشد، نظام هستی فاسد و تباه

می‌شود، زیرا:

۱. هوس‌های مردم - حتی هوس‌های یک نفر - در زمان‌های

مختلف، متضاد است.

۲. هوس‌های مردم، مفسده دارد.

۳. خواسته‌های مردم، یک‌بُعدی است و به ابعاد دیگر و آثار

دور و نزدیک توجه ندارد.

### جلوه‌های طغیان در افراد مختلف

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّلَجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ

(مؤمنون، ۷۵)

يَعْمَهُونَ



و (بر فرض) اگر به آنها رحم کنیم و (رنج و عذاب و) بدبختی‌های آنان را برطرف‌سازیم (به جای هوشیاری و شکر) در طغیان‌شان کوردلانه اصرار می‌ورزند.

□ طغیان در افراد مختلف، تفاوت دارد:

\* طغیان عالمان، در علم است که به وسیله‌ی تفاخر و مباهات جلوه می‌کند.

\* طغیان ثروتمندان در مال است که به وسیله‌ی بخل خود را نشان می‌دهد.

\* طغیان صالحان در عمل نیک است که به وسیله‌ی ریا و سُمعه (خودنمایی و شهرت‌طلبی) نمایان می‌شود.

\* طغیان هواپرستان در پیروی از شهوت‌ها جلوه می‌کند.<sup>(۱)</sup>

### دلایل تأخیر عذاب

وَ إِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ

(مؤمنون، ۹۵)

و بدون شک ما می‌توانیم آنچه را به آنان وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم.

□ خداوند در این آیه پیامبرش را دل‌داری داده است که قدرت دارد گمراهان و کافران را عذاب کند؛ اما به دلایلی عذاب آنان را به تأخیر می‌اندازد از جمله:

الف) به آنان مهلت می‌دهد تا توبه کنند.

ب) با آنان اتمام حجت کند.

ج) در آینده افراد مؤمنی از نسل آنان به وجود می‌آید.

۱. تفسیر روح‌البیان.

د) به خاطر وجود پیامبر ﷺ که مایه‌ی رحمت و برکت است.

### تفاوت روزهای دنیا و آخرت

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ \* قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ

بَعْضَ يَوْمٍ فَسَأَلَ الْعَادَّةِينَ (مؤمنون، ۱۱۲ - ۱۱۳)

(خداوند) از آنان می‌پرسد: شما در زمین چقدر ماندید؟ می‌گویند: یک

روز یا بخشی از یک روز، پس از شمارگران بپرس.

□ در قیامت از مردم سؤال می‌شود: شما چه مدتی در دنیا

اقامت داشتید؟ «کم لبثتم» این سؤال چندین بار در قرآن مطرح

شده و هرکس طبق پندار خود پاسخی می‌دهد از جمله:

\* ما به مقدار ساعتی از روز، در دنیا ماندیم. «ساعة من نهار»<sup>(۱)</sup>

\* یک شامگاه، یا یک صبح. «عشيّة اوضحاها»<sup>(۲)</sup>

\* یک روز یا قسمتی از یک روز. «يوماً او بعض يوم»<sup>(۳)</sup>

□ ممکن است مراد از «کم لبثتم فی الارض» مدت توقّف در قبر و

عالم برزخ باشد.

### اهداف آفرینش انسان

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

(مؤمنون، ۱۱۵)

پس آیا گمان می‌کنید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم، و شما به

سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

□ قرآن برای آفرینش انسان اهدافی را بیان کرده، از جمله:

۱. احقاف، ۳۵. ۲. نازعات، ۴۶. ۳. مؤمنون، ۱۱۳.

۱. عبادت. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>(۱)</sup> من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).
۲. آزمایش. ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾<sup>(۲)</sup> (خداوند) مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید، که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید.
۳. برای دریافت رحمت الهی. ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبِّي وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾<sup>(۳)</sup> مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند (و خداوند) برای همین (رحمت) مردم را آفرید.

### زیانکاران

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ

رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (مؤمنون، ۱۱۷)

و هر کس با خداوند، معبود دیگری بخواند، هیچ برهانی بر کار خود ندارد، پس قطعاً حساب او نزد پروردگارش خواهد بود، قطعاً کافران رستگار نمی‌شوند.

□ در اوّل این سوره، ذیل آیه‌ی یک، گروهی از رستگاران را ذکر کردیم، در پایان سوره با توجه به جمله‌ی «لا یفلح»، گروهی از زیانکاران را نیز یادآور می‌شویم:

\* ستمگران. ﴿لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾<sup>(۴)</sup>

\* گنهکاران. ﴿لَا يَفْلِحُ المجرمون﴾<sup>(۵)</sup>

\* جادوگران. ﴿لَا يَفْلِحُ السَّاحِرُونَ﴾<sup>(۶)</sup>

۱. ذاریات، ۵۶. ۲. ملک، ۲. ۳. هود، ۱۱۹.

۴. انعام، ۱۳۵. ۵. یونس، ۱۷. ۶. یونس، ۷۷.

\* کافران. ﴿لَا يَفْلَحُ الْكَافِرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>  
 \* آنها که به خداوند دروغ می‌بندند. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ  
 الْكُذِبَ لَا يَفْلَحُونَ﴾<sup>(۲)</sup>

### یکپارچگی مسلمانان

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ  
 خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (نور، ۱۲)

چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به  
 خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمتی بزرگ و  
 آشکار است؟

□ قرآن گاهی به جای کلمه‌ی «دیگران» کلمه‌ی «شما» را به کار  
 برده است تا به مسلمانان بگوید همه‌ی شما یکی هستید.  
 مثلاً به جای این که بگوید: به دیگران نیش و طعنه نزنید  
 می‌فرماید: ﴿لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ﴾<sup>(۳)</sup> به خودتان نیش نزنید. و به  
 جای این که بگوید: وقتی که وارد خانه‌ای شدید به دیگران  
 سلام کنید، می‌فرماید: ﴿فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ﴾<sup>(۴)</sup> به خودتان  
 سلام کنید.

در این آیه نیز به جای این که بگوید: به دیگران حسن ظن  
 داشته باشید، می‌فرماید: «بأنفسهم خيراً» به خودتان حسن ظن  
 داشته باشید.

۱. مؤمنون، ۱۱۷. ۲. یونس، ۶۹. ۳. حجرات، ۱۱.  
 ۴. نور، ۶۱.

## فواید و آفات زبان

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ  
عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (نور، ۱۵)

آنگاه که از زبان یکدیگر (تهمت را) می‌گرفتید و با آنکه علم  
نداشتید دهان به دهان می‌گفتید و این را ساده و کوچک  
می‌پنداشتید در حالی که آن نزد خدا بزرگ است.

□ زبان، تنها عضوی است که در طول عمر انسان، از حرف  
زدن، نه درد می‌گیرد و نه خسته می‌شود. شکل و اندازه‌ی آن  
کوچک؛ اما جرم و گناه آن بزرگ است. چه بسیارند انسان‌های  
کافری که با گفتن یک جمله (شهادت به یگانگی خداوند)  
مسلمان و پاک می‌شوند و یا مسلمانانی که با گفتن کفر به  
خدا، یا انکار احکام دین، کافر و نجس می‌شوند.  
زبان از یک سو می‌تواند با راستگویی، ذکر و دعا و نصیحت  
دیگران، صفا بیافریند و از سوی دیگر قادر است با نیش زدن  
به این و آن، کدورت ایجاد کند.

زبان کلید عقل و چراغ علم و ساده‌ترین و ارزان‌ترین وسیله‌ی  
انتقال تمام علوم و تجربیات است. (علمای اخلاق درباره‌ی  
زبان کتابها و مطالب بسیاری نوشته‌اند.)

## گام‌های شیطانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ  
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَوْ لَا  
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ  
اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور، ۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گام‌های شیطان را پیروی نکنید و هر کس پیرو گام‌های شیطان شود پس به درستی که او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما پاک نمی‌شد ولی خداوند هر کس را بخواهد پاک می‌سازد و خداوند شنوا و داناست.

□ در قرآن چند مرتبه از «خُطوات الشیطان» سخن به میان آمده است؛

در مورد اتحاد و وحدت کلمه داشتن می‌فرماید: ﴿أَدْخُلُوا فِي

السِّلْمِ كَأَقَّةٍ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ﴾<sup>(۱)</sup>

و در مصرف غذا می‌فرماید: ﴿كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ﴾<sup>(۲)</sup> از چیزهای حلال و دلپسند بخورید و

مواظب گام‌های شیطان باشید و از آن پیروی نکنید.

و در این آیه نیز پیرامون اشاعه‌ی فحشا نسبت به مؤمنین

می‌فرماید: از گام‌های شیطان پیروی نکنید.

نمونه پیروی از گام‌های شیطان عبارت است از: دوستی با

افراد فاسد، بعد شرکت در مجالس آنان، سپس فکرگناه، بعد

ارتکاب گناهان کوچک، پس از آن گناهان بزرگ و در پایان

قساوت قلب و بدعاقبتی و پایانی شوم.

## گواهی اعضای بدن در روز قیامت

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ (نور، ۲۴)

روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان علیه آنان به آنچه

انجام داده‌اند گواهی می‌دهند.

□ گواهی دادن اعضای بدن بارها در قرآن مطرح شده است؛

در سوره‌ی فصلت می‌خوانیم: ﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَابْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾<sup>(۱)</sup> هنگامی که به دوزخ رسند، گوش و چشم و پوست بدن آنان به گناهانی که انجام داده‌اند، گواهی دهند.

در سوره‌ی یس می‌خوانیم: ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>(۲)</sup> در آن روز بر دهان کافران مهر خموشی زنیم و دست‌هایشان با ما سخن گویند و پاهایشان به آنچه کرده‌اند گواهی دهند.

□ چون در شهادت باید علیه دیگری گواهی داد، پس معلوم می‌شود جوهر و شخصیت انسان غیر از اعضای اوست که علیه او شهادت می‌دهند. زیرا شاهد و مشهود باید از هم جدا باشند.

□ امام باقر علیه السلام فرمود: گواهی اعضای بدن علیه مؤمن نیست، بلکه علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد.<sup>(۳)</sup>

۱. فصلت، ۲۰. ۲. یس، ۶۵.

۳. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۲، ص ۳۲.

## ثمرات حجاب و ترک جلوه‌گری

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ  
لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى  
جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ  
بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي  
إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ  
التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ  
لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا  
يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ  
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور، ۳۱)

و به زنان با ایمان بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گردن خود بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر خود، یا پدر خود یا پدرشوهر خود، یا پسر خود، یا پسرشوهر خود (که از همسر دیگر است) یا برادر خود، یا پسربرادر خود، یا پسرخواهر خود، یا زنان (هم‌کیش) خود، یا آنچه را مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتگزار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سن تمییز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند. و نیز پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید.



□ حفظ حجاب و ترک جلوه‌گری ثمرات بسیاری دارد که برخی از آنها عبارت است از:

آرامش روحی، استحکام پیوند خانواده، حفظ نسل، جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیشگیری از امراض مقاربتی و روانی، پائین آمدن آمار طلاق، خودکشی، فرزندان نامشروع و سقط جنین، از بین رفتن رقابت‌های منفی، حفظ شخصیت و انسانیت زن، و نجات او از چشم‌ها و دل‌های هوسبازی که امروز دنیای غرب و شرق را در لجن فرو برده است.

### ازدواج در روایات

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

(نور، ۳۲)

پسران و دختران بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته‌ی (ازدواج) خود را همسر دهید. (و از فقر نترسید که) اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند. خداوند، گشایشگر دانا است. (او از فقر و نیاز شما آگاه و بر کفایت شما وعده داده است و در عمل به وعده‌اش قدرت دارد)

□ پدر و مادری که با داشتن امکانات، فرزندشان را همسر نمی‌دهند، اگر فرزند مرتکب گناه شود، والدین در گناه او شریک هستند.<sup>(۱)</sup>

□ درباره‌ی ازدواج، روایات بسیاری آمده است که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

\* امام صادق علیه السلام فرمود: توسعه زندگی، در سایه ازدواج است.  
 \* کسی که از ترس فقر ازدواج نکند، به خداوند بدگمان است.  
 \* دورکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که همسر ندارد.<sup>(۱)</sup>

### دستورات ملازم یکدیگر

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (نور، ۵۴)

بگو: خدا را اطاعت کنید و پیامبر را نیز اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی نمایید، (به او زیانی نمی‌رسد، زیرا) بر او فقط آن (تکلیفی) است که به عهده‌اش گذاشته شده و بر شما نیز آن (تکلیفی) است که به عهده‌ی شما گذاشته شده است. و اگر اطاعتش کنید، هدایت می‌یابید و پیامبر جز تبلیغ روشن مسئولیتی ندارد.

□ در قرآن به مواردی برمی‌خوریم که دو دستور از طرف خدا در کنار یکدیگر ذکر شده و باید هر دو دستور اجرا شود و عمل کردن به یکی از آن دو کافی و قابل قبول نیست، از جمله:

\* ایمان و عمل. ﴿آمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾<sup>(۲)</sup>

\* نماز و زکات. ﴿اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾<sup>(۳)</sup>

\* تشکر از خداوند و والدین. ﴿أَنْ أَشْكُرَ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ﴾<sup>(۴)</sup>

\* اطاعت از خدا و رسول. ﴿اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ که در این آیه آمده است.

۱. مجموعه روایات از تفسیر نورالتقلین می‌باشد.

۲. بقره، ۲۵. ۳. بقره، ۴۳. ۴. لقمان، ۱۴.

## حجاب و موارد استثنای آن

وَأَلْفَوْا عِدُّ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور، ۶۰)

و بر زنان وانشسته‌ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند. و عفت و رزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است.

□ از آیات قرآن استفاده می‌شود که در مسأله‌ی حجاب، ملاک این است که پوشش بانوان تحریک‌کننده و شهوت‌انگیز نباشد؛ زیرا تنها موارد زیر را استثنا نموده است:

- \* «غیر اولی الاربة»<sup>(۱)</sup> کسی که شهوتی ندارد.
- \* «او الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء» بچه‌ای که از مسائل شهوت، چیزی نمی‌داند.
- \* «حین تضعون ثیابکم»<sup>(۲)</sup> هنگامی که لباستان را کنار می‌گذارید و با همسر خود هستید.
- \* «لایرجون نکاحاً» زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواج ندارند. بنابراین، مسأله روی تحریک احساسات جنسی و گناه دور می‌زند و اگر حداقل حجاب اسلامی، برای جلوگیری از گناه کافی نبود، لازم است بانوان چادر و حجاب برتر داشته باشند، تا دیگران مرتکب گناه نشوند.

## آثار توجّه و غفلت از خدا

إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا \* وَإِذَا  
أَلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا

(فرقان، ۱۲-۱۳)

چون (دوزخ) از فاصله‌ی دور آنان (کافران) را ببیند، خشم و خروشی از آن می‌شنوند. و چون به زنجیر بسته شده، در مکانی تنگ از آن انداخته شوند، آنجاست که ناله زنند (و مرگ خود را می‌خواهند).

□ غفلت از خدا در دنیا و آخرت، تنگناهایی سخت به دنبال دارد؛ اما در دنیا: ﴿يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا﴾<sup>(۱)</sup> خداوند سینه او را تنگ قرار می‌دهد، ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾<sup>(۲)</sup> هر کس از یاد من روی بگرداند، قطعاً برای او زندگی تنگی است.

و اما در آخرت: ﴿وَإِذَا أَلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا﴾<sup>(۳)</sup> در جهنم در مکانی تنگ انداخته شوند.

و بر عکس، توجّه و ایمان به خدا، هم در دنیا مایه‌ی گشایش است: ﴿كَلَّمْتَنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>(۴)</sup> درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می‌گشاییم. هم در آخرت: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا﴾<sup>(۵)</sup> هنگام ورود به بهشت، درهای آن گشوده می‌شود.

□ امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «مکان بعید»، فاصله‌ی یک سال راه است.<sup>(۶)</sup>

۱. انعام، ۱۲۵. ۲. طه، ۱۲۴. ۳. فرقان، ۱۳.  
۴. اعراف، ۹۶. ۵. زمر، ۷۳. ۶. تفسیر مجمع البیان.

## انگیزه‌های پرسیدن

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ  
أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَـؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ

(فرقان، ۱۷)

(و یاد کن) روزی که خداوند مشرکان و آن چه را به جای خدا

می‌پرستیدند (در یک جا) محشور کند، پس (به معبودهای آنان) گوید:

آیا شما بندگان مرا گمراه کردید، یا خودشان راه را گم کردند؟

□ انگیزه‌های سؤال و پرسش کردن یکسان نیست:

الف) گاهی برای فهمیدن است. ﴿فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾<sup>(۱)</sup>

ب) گاهی برای توبیخ دیگران است. ﴿ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي

وَأُمِّيَ الْهَيْنَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup> خداوند برای توبیخ طرفداران

عیسی علیه السلام او را مورد عتاب قرار می‌دهد که آیا تو به مردم

گفتی علاوه بر «الله»، من و مادرم را دو خدای دیگر بگیرد؟

ج) گاهی برای توبیخ خود شخص است. ﴿إِنَّمَا هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ﴾

## عوامل نسیان و غفلت

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ  
أَوْلِيَاءَ وَ لَكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَ كَانُوا

(فرقان، ۱۸)

قَوْمًا بُورًا

(معبودها) گویند: خدایا! تو منزهی، ما را نرسد که غیر از تو سرپرستی

بگیریم ولی تو آنان و پدرانشان را چنان کامیاب گرداندی که یاد (تو و

قرآن) را فراموش کردند و گروهی هلاک و سر در گم شدند.

۲. مانده، ۱۱۶.

۱. نحل، ۴۳ و انبیاء، ۷.

- برخی عوامل نسیان و غفلت انسان در قرآن عبارتند از:
- (الف) مال و ثروت که در این آیه آمده است.
- (ب) فرزند و خانواده. ﴿لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾<sup>(۱)</sup>
- (ج) تجارت. ﴿لَا تُلْهِبِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup>
- (د) شیطان، تفرقه، قمار و شراب. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾<sup>(۳)</sup>

## آثار ظلم

فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَ

مَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا (فرقان، ۱۹)

(خداوند در آن روز به مشرکان می‌فرماید:) این معبودها گفته‌های شما را انکار کردند؟ نه برای برطرف کردن قهر خدا توانی دارید، نه می‌توانید حمایتی (از کسی) دریافت کنید و هر کس از شما ظلم کرده (و شرک‌ورزد) عذاب بزرگی به او می‌چشانیم.

□ خداوند در قرآن برای ظلم آثاری بیان کرده است از جمله:

۱. ناکامی. ﴿وَاللَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾<sup>(۴)</sup> خداوند توطئه‌های ستمگران را به جایی نمی‌رساند.
۲. محرومیت از الطاف الهی. ﴿إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۵)</sup>
۳. عذاب. ﴿إِلَّا إِنَّ الظَّالِمُونَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ﴾<sup>(۶)</sup>، ﴿نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا﴾
۴. نپذیرفتن جایگزین برای عذاب. ﴿وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ﴾<sup>(۷)</sup>

۱. منافقون، ۹. ۲. نور، ۳۷. ۳. مائده، ۲۱.

۴. توبه، ۱۹. ۵. هود، ۱۸. ۶. شوری، ۴۵.

۷. زمر، ۴۷.

۵. نپذیرفتن عذر. ﴿لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذرتَهُمْ﴾<sup>(۱)</sup> ولی بدتر از بی‌فایده بودن عذر، اجازه ندادن برای عذرخواهی است. ﴿وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ﴾<sup>(۲)</sup>

### ترتیل در تلاوت قرآن

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (فرقان، ۳۲)

و کسانی که کفر ورزیدند، (بهانه‌ی دیگری آورده و) گفتند: چرا (تمام) قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ (غافل از آن که ما) این گونه (نازل کردیم) تا دل تو را به وسیله‌ی آن استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر تو خواندیم.

\* پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ترتیل آن است که قرآن را با بیان روشن بخوانید، (نه مثل شعر، نه مثل نثر)، هنگام برخورد بر لطایف آن توقف کنید، روح و دل خود را صفا دهید و هدف شما در تلاوت، رسیدن به آخر سوره نباشد.<sup>(۳)</sup>

\* حضرت علی رضی الله عنه فرمود: مراد از ترتیل، رعایت موارد وقف و ادای حروف است.<sup>(۴)</sup>

\* امام صادق رضی الله عنه فرمود: ترتیل، یعنی زیبا و آرام خواندن قرآن، مکث کردن در آن و پناه بردن به خداوند در هنگام تلاوت آیات مربوط به آتش و عذاب، و دعا کردن هنگام برخورد با آیات بهشت و درخواست بهشت از خدای مهربان.<sup>(۵)</sup>

۱. روم، ۵۷. ۲. رسالات، ۳۶. ۳. تفسیر مجمع البیان. ۴. تفسیر کنزالدقائق و منهج الصادقین. ۵. تفسیر نمونه.

## انواع لباس و پوشش

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ

الْنَّهَارَ نَشُورًا (فرقان، ۴۷)

و او کسی است که شب را برای شما پوشش و خواب را آرام‌بخش

گردانید و روز را زمان برخاستن (و تلاش) شما قرار داد.

□ «سبت» یعنی قطع و تعطیل کار. به استراحت بعد از تلاش نیز

«سبت» می‌گویند.<sup>(۱)</sup> «نُشور» از «نُشِر»، به معنای پخش شدن

مردم در روز برای کار و تلاش است.

□ در قرآن کریم از چند چیز به عنوان «لباس» یاد شده است:

\* شب. ﴿جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾<sup>(۲)</sup>

\* همسر. ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾<sup>(۳)</sup>

\* تقوا. ﴿وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾<sup>(۴)</sup>

## پاداش زحمات پیامبر

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبَةً

سَبِيلاً (فرقان، ۵۷)

بگو: از شما هیچ گونه مزدی در برابر رسالتم درخواست

نمی‌کنم، مگر (این که) کسی بخواهد (با راهنمایی من) به سوی

پروردگارش راهی در پیش گیرد.

□ قرآن درباره پاداش زحمات پیامبر اسلام ﷺ چند نوع تعبیر

دارد که در دعای ندبه، در کنار هم آمده است:

\* پاداش من بر خداست. ﴿إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾<sup>(۵)</sup>

۱. التحقيق في كلمات القرآن.

۲. فرقان، ۴۷.

۳. بقره، ۱۸۷.

۴. اعراف، ۲۶.

۵. سبأ، ۴۷.



\* پاداش من محبت اهل بیت من است. ﴿الْأَمْوَدَةُ فِي الْقُرْبَى﴾<sup>(۱)</sup>  
 \* پاداشم در خط خدا بودن شماست. ﴿يَتَّخِذُ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا﴾<sup>(۲)</sup>  
 \* پاداشی که خواستم به نفع خود شماست. ﴿وَمَا سَأَلْتَكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهوَ لَكُمْ﴾<sup>(۳)</sup> زیرا مودت رهبران معصوم کلید و رمز قرار گرفتن در خط خدا می‌باشد و بهره‌بردن مردم از انتخاب چنین راهی، به سود خود آنان می‌باشد، پس سود مادی برای شخص پیامبر در کار نیست.

### گستره رحمت الهی

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ  
 اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَأَلْ بِهِ خَبِيرًا

(فرقان، ۵۹)

خدایی که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روزگار آفرید. سپس بر عرش (قدرت) استیلا یافت (وبه تدبیر جهان پرداخت). اوست خدای رحمان، پس از او بخواه که بر همه چیز آگاه است، (یا درباره او از خُبره‌ای بپرس که می‌داند).

□ رحمت الهی بر همه چیز گسترده است:

۱. نظام تکوین و آفرینش جهان، بر اساس رحمت است. ﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... الرَّحْمَنُ﴾
۲. نظام آفرینش انسان، بر اساس رحمت است. ﴿الْأَمِّنُ رَحْمَةً رَبِّي وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾<sup>(۴)</sup>
۳. نظام تشریح و قانون‌گذاری، بر اساس رحمت است. ﴿الرَّحْمَنُ

۱. شوری، ۲۳. ۲. فرقان، ۵۷. ۳. سبأ، ۴۷.

۴. هود، ۱۱۹.

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿١﴾

۴. نظام قیامت و حسابرسی، بر اساس رحمت است. ﴿کتاب علی نفسه الرحمة لیجمعکم﴾ (۲)

### اعتدال در انفاق

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ

قَوَامًا (فرقان، ۶۷)

آنان که هرگاه انفاق کنند، نه از حد گذرند و نه تنگ گیرند و میان این دوروش اعتدال دارند.

□ امام صادق علیه السلام مقداری سنگریزه از زمین برداشت و مشت خود را بست و فرمود: این اِقْتَار (سخت‌گیری و بخل ورزیدن) است، سپس مشت دیگری برداشت و دست خود را چنان گشود که همه‌ی سنگریزه‌ها به زمین ریخت، آن‌گاه فرمود: این اسراف است. بار سوم مشت دیگری برداشت و دست خود را کمی باز کرد به طوری که مقداری از سنگریزه‌ها ریخت و مقداری در دستش باقی ماند، سپس فرمود: این، قَوَام و اعتدال و حدوسط است. (۳)

### عوامل مضاعف شدن کیفر

يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا

(فرقان، ۶۹)

در روز قیامت عذاب او دوچندان می‌شود و همیشه به خواری در آن خواهد ماند.

۱. الرحمن، ۲-۱. ۲. انعام، ۱۲. ۳. تفسیر کنزالدقائق.

□ عواملی وجود دارد که کیفر را چند برابر می‌کند. برخی از آن عوامل به این شرح است:

۱. گاهی داشتن شخصیت اجتماعی، کیفر مجرم را دو برابر می‌کند. خداوند به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ﴾<sup>(۱)</sup> هر کس از شما همسران پیامبر کار زشت انجام دهد، دو برابر کیفر دارید.
۲. گاهی زمان، گناه را دو برابر می‌کند. مثل گناه در روز جمعه، چنانکه در روایات آمده است که کار خیر و یا شر در روز جمعه دو برابر سنجیده می‌شود.<sup>(۲)</sup>
۳. گاهی گناه کلیدی است، یعنی علاوه بر انحراف شخص، دیگران را نیز منحرف می‌کند. ﴿الَّذِينَ يَصِدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا... يُضَاعَفْ لَهُمُ الْعَذَابُ﴾<sup>(۳)</sup>

### اهمیت دعا

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ

(فرقان، ۷۷)

لِزَامًا

بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست (زیرا سابقه‌ی خوبی ندارید). شما حق را تکذیب کرده‌اید و به زودی کیفر تکذیبتان دامن شما را خواهد گرفت.

□ کلمه‌ی «عَبَأُ» به معنای وزن و سنگینی است و جمله‌ی «ما يعبأ بكم ربِّي» یعنی خداوند برای شما وزن و ارزشی قایل نیست، مگر در سایه دعا و عبادت شما.

۱. احزاب، ۳۰. ۲. بحار، ج ۸۹، ص ۲۸۳.

۳. هود، ۱۹-۲۰.

□ کلمه‌ی «دعائکم» دو نوع معنا شده است:

الف) دعا کردن شما به درگاه خداوند، که همین ناله‌ها و تضرع‌ها و دعاها سبب عنایت خداوند به شماست. چنانکه در حدیث می‌خوانیم: کسی که اهل دعا باشد، هلاک نمی‌شود.<sup>(۱)</sup> بعد خداوند از گروه مقابل که اهل دعا نیستند شکایت می‌کند که شما حق را تکذیب کردند و به جای نیایش به سراغ بت‌ها و هوسها و طاغوت‌ها رفتید و حق را تکذیب نمودید که کيفرتان را خواهید دید.

ب) دعوت خداوند از مردم؛ زیرا سنت الهی دعوت از مردم برای پذیرفتن حق و اتمام حجت بر آنان است و اگر این دعوت نباشد؛ «لو لا دعائکم» مردم ارزشی ندارند. آنچه آنان را موجود برتر و ارزشمند می‌کند، همان پذیرش دعوت خداوند می‌باشد، ولی شما دعوت الهی را نپذیرفتید و تکذیب نمودید، پس امید خیری در شما نیست و به کيفر عملتان می‌رسید.

□ خداوند در یک جا می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>(۲)</sup> بشر را برای عبادت آفریدم. و در این آیه می‌فرماید: اگر دعای انسان نبود، او ارزشی نداشت.

بنابراین دعا روح و مغز عبادت است.

چنانکه در روایت می‌خوانیم: «الدعاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»<sup>(۳)</sup>

۲. ذاریات، ۵۶.

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۲۸.

۳. غررالحکم.

## خصوصیات کفار

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ  
مُغْرَضِينَ \* فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ  
يَسْتَهْزِئُونَ (شعراء، ۵-۶)

هیچ تذکر تازه‌ای از (طرف) خداوند مهربان برایشان نیامد، مگر آن که  
از آن روی‌گردان بودند. پس آنان تکذیب کردند، و به زودی اخبار  
(کیفر) آنچه را که به مسخره می‌گرفتند به آنان خواهد رسید.

□ در این آیات برای کفار سه خصلت بیان شده است: اعراض،  
تکذیب، استهزا.

آری، انسان به تدریج و گام به گام به سقوط کشیده می‌شود،  
ابتدا به حق بی‌اعتنایی و اعراض می‌کند، سپس آن را تکذیب  
و آن‌گاه حق را مسخره می‌کند؛ ولی بدترین حالت و صفت  
انسان، مسخره کردن حق است، لذا در این آیه می‌فرماید: در  
آینده، خبرهای مسخره کردن آنان به آنها خواهد رسید. و  
نمی‌فرماید: کیفر اعراض و تکذیب به آنان خواهد رسید.

## عوامل سعادت‌آفرین

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (شعراء، ۸۳)

(ابراهیم در ادامه‌ی سخن خود گفت:) پروردگارا! به من حکمت و  
دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن!

□ سعادت انسان در چند جمله خلاصه می‌شود که در دعای  
حضرت ابراهیم آمده است:

الف) شناخت خداوند و معرفت درونی به او. ﴿هَبْ لِي حُكْمًا﴾  
ب) حضور در جامعه‌ی صالح. ﴿أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾

- (ج) نام نیک در تاریخ. ﴿لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾  
 (د) رسیدن به بهشت ابدی. ﴿وَرِثَةَ جَنَّةِ النَّعِيمِ﴾

### شفاعت در روایات

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ \* وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (شعراء، ۱۰۰ - ۱۰۱)

در نتیجه (امروز) برای ما نه شفیعیانی وجود دارد و نه حتی یک دوست صمیمی.

- در تفسیر مجمع البیان، روایاتی نقل شده که امامان معصوم علیهم السلام سوگند یاد کرده اند که شیعیان را شفاعت کنند.
- امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن در آن روز برای اهل بیت خود شفاعت می کند.<sup>(۱)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، روز قیامت ما از شیعیان، چنان شفاعت کنیم که صدای منحران بلند شود: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾<sup>(۲)</sup>
- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت؛ قرآن، فامیل مؤمن، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام شفاعت می کنند.<sup>(۳)</sup>

### آفت ساخت و ساز

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ \* وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ

تَخْلُدُونَ (شعراء، ۱۲۸ - ۱۲۹)

(هود به مردم گفت:) آیا بر هر تپه ای بنا و قصری بلند از روی هوا و هوس می سازید؟ و کاخ های استوار می گیرید، به امید آنکه جاودانه بمانید؟

۱. تفسیر مجمع البیان. ۲. تفسیر المیزان. ۳. کنز العمال.

□ آفات ساختمان سازی، چهار چیز است:

الف) حرص و اسراف. ﴿بِكُلِّ رِيحٍ﴾

ب) تفاخر و خودنمایی. ﴿آيَةٌ﴾

ج) بلهوسی. ﴿تَعْبَثُونَ﴾

د) دنیاگرایی و غفلت. ﴿لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ﴾

### روش دعوت انبیا

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ \* إِذْ قَالَ لَهُمُ أَحْوَهُمْ صَالِحٌ أَأَلَا  
تَتَّقُونَ \* إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا \* وَمَا  
أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

(شعراء، ۱۴۱ - ۱۴۵)

قوم ثمود (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی‌کنید؟ من برای شما پیامبری امین هستم. پس از خداوند پروا کنید و از من اطاعت نمایید. و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من جز برپروردگار جهانیان نیست.

□ روش دعوت تمام انبیا یکی است. در داستان نوح، هود، صالح، لوط و شعیب، همه آنان یک کلام و یک شعار داشتند: همه می‌گفتند: «أَلَا تَتَّقُونَ»

همه می‌گفتند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا»

همه می‌گفتند: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»

همه می‌گفتند: «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ»

و خلاصه‌ی پیام همه‌ی آنان چند چیز بود: برادری، تقوا، پیروی از رهبر، بی‌توقعی، توکل بر خدا و اطمینان دادن به

مردم که ما به نفع شما و امین شما هستیم.

### امتیازات قرآن

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ \* عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ \* بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ \* وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (شعراء، ۱۹۲ - ۱۹۶)

و البته این (قرآن) فرستاده‌ی پروردگار جهانیان است. (که جبرئیل) فرشته‌ی امین‌الهی آن را فرو آورده بر دل تو، تا از هشداردهندگان باشی. (این قرآن) به زبان عربی روشن (نازل شده) و همانا (خبر) آن در کتاب‌های (آسمانی) پیشین آمده است.

□ قرآن را ساده ننگریم، زیرا:

(الف) سرچشمه‌ی آن، «ربّ العالمین» است.

(ب) واسطه‌ی آن، «روح الامین» است.

(ج) ظرف آن، قلب پاک پیامبر ﷺ «قلوبك» است.

(د) هدف آن، بیداری مردم «المنذرين» است.

(ه) زبان آن، فصیح و بلیغ «عربی مبین» است.

(و) بشارت آن، در کتاب‌های پیشینیان، «زُبرِ الاولین» است.

### نفی ظلم از خداوند

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ \* نَذَرْنَا وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ

(شعراء، ۲۰۸ - ۲۰۹)

و ما (مردم) هیچ منطقه‌ای را هلاک نکردیم، مگر آن که بیم‌دهندگانی داشتند. تامایه‌ی پند و عبرت باشد، و ما ستمکار نبودیم (که بدون هشدار مجازات کنیم).



□ خداوند، هر فرد و قوم گمراهی را زمانی هلاک می‌کند که از قبل به آنان هشدار داده باشد، وگرنه عقوبت بدون هشدار ظلم است و ظلم در شأن خداوند نیست. قرآن، این حقیقت را در آیات مختلف بیان کرده است:

- \* ﴿وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ﴾<sup>(۱)</sup> ما به آنان ظلم نکردیم.
- \* ﴿وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا﴾<sup>(۲)</sup> خداوند اراده‌ی ظلم نمی‌کند.
- \* ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ﴾<sup>(۳)</sup> شأن خداوند ظلم کردن نیست.
- \* ﴿لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾<sup>(۴)</sup>، ﴿لَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾<sup>(۵)</sup> کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.
- \* ﴿لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾<sup>(۶)</sup> خداوند به اندازه نخ درون هسته خرما و کمتر از آن ظلم نمی‌کند.
- \* ﴿لَا يُظْلَمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾<sup>(۷)</sup> به اندازه سنگینی ذره‌ای ستم نمی‌کند.

### تنوع وحی

وَمَا تَنْزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ \* وَ مَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَا مَا  
يَسْتَطِيعُونَ \* إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ  
(شعراء، ۲۱۰ - ۲۱۲)

و قرآن را شیطان‌ها نازل نکرده‌اند. نه سزاوار آنان است (که شیاطین آن را نازل کنند) و نه قدرت بر این کار دارند. بی‌شک آنها از شنیدن (اخبار آسمانی) برکنارند.

□ وحی دو نوع است: الف) وحی الهی که به وسیله‌ی

۱. نحل، ۱۱۸. ۲. غافر، ۳۱. ۳. عنکبوت، ۴۰.  
۴. نساء، ۱۲۴. ۵. مریم، ۶۰. ۶. نساء، ۴۹.  
۷. نساء، ۴۰.

روح الامین بر قلب پیامبر ﷺ نازل می شود، که این نوع وحی نه سزاوار جنّ و شیاطین است و نه آنها توان دریافت و ارسال آن را دارند. ﴿وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ﴾  
 (ب) نوع دیگر، وسوسه ها و الهام های شیطانی است که شیطان ها بر دوستان و اولیای خود القا می کنند. ﴿إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ﴾<sup>(۱)</sup>

## آتش در قرآن

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَتِ كَيْفَ مَدَّهَا بِخَبْرٍ أَوْ  
 آتِيكُمْ بِسِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ \* فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ  
 أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ  
 الْعَالَمِينَ

(نمل، ۷-۸)

(یاد کن) زمانی که موسی به خانواده‌ی خود گفت: همانا من آتشی احساس کردم (شما در همین مکان توقف کنید)، به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد، یا شعله‌ی آتشی برای شما می آورم، باشد که خود را گرم کنید. پس همین که (موسی) نزد آن آمد، ندا داده شد که هر که در آتش و هر که اطراف آن است برکت داده شد و منزّه است. خداوندی که پروردگار جهانیان است.

□ قرآن در موارد متعددی از آتش سخن گفته است:

- \* ابلیس به آن افتخار کرد. ﴿خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ﴾<sup>(۲)</sup>
- \* کافر به آن کیفر می شود. ﴿تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً﴾<sup>(۳)</sup>
- \* ابراهیم در آن سالم ماند. ﴿يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا﴾<sup>(۴)</sup>

۱. انعام، ۱۲۱. ۲. اعراف، ۱۲. ۳. غاشیة، ۴. ۴. انبیاء، ۶۹.

\* موسی به سراغ آتش برای خانواده رفت؛ ولی پیامبر شد.  
 ﴿آنست ناراً... نودی﴾<sup>(۱)</sup>  
 \* ذوالقرنین به وسیله آن فلزات را ذوب و سدسازی کرد. ﴿قال  
 انفخوا حتی اذا جعله ناراً﴾<sup>(۲)</sup>

### ویژگی‌های جنیان

وَ حُثِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ

يُوزَعُونَ  
 (نمل، ۱۷)

و برای سلیمان، سپاهیان از جن و انس و پرنده گرد آمدند، پس از  
 تشنّت و بی‌نظمی بازداشته می‌شدند (تا در رکابش باشند).

□ قرآن بارها از جن سخن به میان آورده و یکی از سوره‌های آن  
 به همین نام است. در اینجا به چند ویژگی آنها اشاره می‌کنیم:  
 \* جن، موجودی است باشعور و مخاطب پروردگار قرار  
 می‌گیرد. ﴿یامعشر الجنّ والانس﴾<sup>(۳)</sup>

\* بعضی از آنها مؤمن و بعضی کافرند. ﴿و انا منّا المسلمون﴾<sup>(۴)</sup>،  
 ﴿و انا منّا الصالحون و منّا دون ذلك﴾<sup>(۵)</sup>

\* زن و مرد دارند، زاد و ولد دارند و در نتیجه شهوت دارند.  
 ﴿لم یطمثهنّ انس قبلهم ولا جان﴾<sup>(۶)</sup>

\* برای سلیمان، غواصی و بنایی می‌کردند. ﴿والشیاطین کلّ بناء  
 و غواص﴾<sup>(۷)</sup>

۱. نمل، ۷-۸. ۲. کهف، ۹۶. ۳. انعام، ۱۳۰.  
 ۴. جن، ۱۴. ۵. جن، ۱۱. ۶. الرحمن، ۵۶.  
 ۷. ص، ۳۷.

## عمل صالح یا صالح بودن

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ  
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا  
تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

(نمل، ۱۹)

پس (سلیمان) از سخن این مورچه با تبسمی خندان شد و گفت:  
پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به والدینم  
بخشیده‌ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می‌پسندی انجام دهم  
در سایه‌ی رحمت خود، مرا در زمره‌ی بندگان شایسته‌ات وارد کن.

□ کار صالح به تنهایی کافی نیست، ورود در گروه صالحان مهم  
است، زیرا:

\* گاهی کار، صالح است؛ ولی فرد از نظر نفسانی صالح نیست  
و گرفتار ریا، سُمعه، غرور، عُجب و حَبِط می‌شود.

\* گاهی کار صالح است؛ ولی عاقبت انحرافی پیش می‌آید و  
شخص عاقبت به خیر نمی‌شود.

\* گاهی کار صالح است؛ ولی یک نوع تکروری در آن است و  
شخص حاضر نیست با بندگان خدا همراه باشد. ﴿اعمل

صالحاً... فی عبادک الصالحین﴾

## عوامل انحراف

وَجَدْتُهُمْ وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ  
الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ

(نمل، ۲۴)

آن زن و قومش را چنین یافتیم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته، پس آنان را از راه (حق) بازداشته و آنان هدایت نمی‌شوند.

□ عوامل انحراف عبارتند از:

(الف) رهبر گمراه. ﴿وَجَدْتَهَا وَ قَوْمَهَا يُسْجِدُونَ لِلشَّمْسِ﴾

(ب) زرق و برق. ﴿يُسْجِدُونَ لِلشَّمْسِ﴾

(ج) امکانات و رفاه. ﴿أَوْتَيْتَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ﴾

(د) شیطان و تزئین‌های او. ﴿زَيْنَ لِمِ الشَّيْطَانِ﴾

### دلایل مستجاب نشدن دعا

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ  
خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

(نمل، ۶۲)

کیست که هرگاه در مانده‌ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند، و شما را جانشینان (خود در) زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می‌پذیرید.

□ هر جا که دعای ما مستجاب نشود، دلیلی دارد، همچون:

(الف) دعای ما، طلب خیر نبوده و ماگمان می‌کردیم خیر است. (زیرا دعا، یعنی طلب خیر)

(ب) نحوه درخواست، جدی و همراه با درماندگی نبوده است.

(ج) در دعا اخلاص نداشته‌ایم؛ یعنی اگر به درگاه خداوند رو کرده‌ایم، به دیگران نیز چشم امید داشته‌ایم.

البته گاهی به جای استجاب آنچه می‌خواهیم، خداوند حکیم مشابه آن را به ما می‌دهد و گاهی به جای خواسته‌ی

ما، که نزد خداوند به مصلحت ما نیست، خداوند بلایی از ما دور می‌کند و گاهی به جای برآوردن حاجت در دنیا، در قیامت جبران می‌کند و گاهی به جای لطف به ما، به نسل ما لطف می‌کند که همه‌ی این مطالب در روایات آمده است.

### مراحل حیات

إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الْأُصْمَ الْأُدْعَاءَ إِذَا وَلَّوْا

مُدْبِرِينَ (نمل، ۸۰)

بی‌شک، نمی‌توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی، و نمی‌توانی کران را آنگاه که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند، فراخوانی (و حقیقت را به آنان بفهمانی).

□ حیات، دارای مراحل است:

۱. حیات نباتی. قرآن می‌فرماید: ﴿يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾<sup>(۱)</sup> خداوند زمین را بعد از مرگ به وسیله‌ی باران زنده می‌کند.
۲. حیات حیوانی. ﴿يَحْيِيكُمْ﴾<sup>(۲)</sup> ما به شما حیات دادیم.
۳. حیات روحی. ﴿لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا﴾<sup>(۳)</sup> تا افراد زنده را هشدار دهی. یعنی کسانی که عقل و فطرت سالم دارند. و می‌فرماید: ﴿دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾<sup>(۴)</sup> دعوت انبیا برای حیات شماست.
۴. حیات سیاسی و اجتماعی. ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾<sup>(۵)</sup> اگر با اجرای حکم قصاص، عدالت برقرار کردید، جامعه زنده است (وگرنه جامعه‌ی مرده‌ای دارید).
۵. حیات اخروی. ﴿يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾<sup>(۶)</sup> ای کاش برای حیات

۱. عنکبوت، ۵۰. ۲. جاثیه، ۲۶. ۳. یس، ۷۰.

۴. انفال، ۲۴. ۵. بقره، ۱۷۹. ۶. فجر، ۲۴.

وزندگی حقیقی آخرت چیزی می‌فرستادم و ذخیره‌ای داشتم!

## رجعت و نمونه‌های آن در قرآن

و يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بآيَاتِنَا فَهُمْ

يُوزَعُونَ (نمل، ۸۳)

و (یاد کن) روزی که از هر امتی گروهی از کسانی که آیات ما را انکار می‌کنند محشور می‌کنیم، پس آنان از پراکنده شدن منع می‌شوند.

□ با توجه به اینکه در قیامت همه‌ی مردم محشور می‌شوند، ﴿و حشرناهم فلم نغادر منهم احداً﴾<sup>(۱)</sup> و آیه‌ی مورد بحث می‌فرماید: از هر امتی تنها گروهی را محشور می‌کنیم، روشن می‌شود که این مربوط به قیامت نیست؛ بلکه مربوط به رجعت است که قبل از قیامت گروهی زنده می‌شوند.

□ در قرآن برای زنده شدن در دنیا، نمونه‌هایی آمده است، از جمله در سوره‌ی بقره می‌خوانیم: خداوند به گروهی فرمان مردن داد، سپس آنان را زنده کرد؛ ﴿فَقَالَ لَهُمِ اللَّهُ موتوا ثمَّ احياهم﴾<sup>(۲)</sup> یا در جای دیگر می‌فرماید: ما شما را بعد از مرگ در همین دنیا زنده کردیم؛ ﴿بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ﴾<sup>(۳)</sup> و به حضرت عیسی عليه السلام می‌فرماید: تو با اذن من مرده‌ها را زنده از قبرها خارج می‌کنی؛ ﴿اذ تخرج الموتى يا ذنى﴾<sup>(۴)</sup> و درباره‌ی یکی از اولیای خدا می‌فرماید: او را برای صد سال میراندیم و بعد از این مدت او را زنده کردیم؛ ﴿فَامَاتَهُ اللَّهُ مائة عام ثمَّ بَعَثَهُ﴾<sup>(۵)</sup> همچنین در روایات بسیاری نیز وارد شده است که قبل از

۱. کهف، ۴۷. ۲. بقره، ۲۴۳. ۳. بقره، ۵۶.

۴. مائده، ۱۱۰. ۵. بقره، ۲۵۹.

قیامت، افرادی که در ایمان یا کفر برجستگی دارند، به اراده‌ی خداوند زنده می‌شوند و با حاکمیت اهل حق، برای مدتی زندگی می‌کنند و سردمداران کفر، کیفر می‌شوند.

### وسایل آرام بخش در قرآن

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنِّ فِي

ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (نمل، ۸۶)

آیا ندیدند که ما شب را قرار دادیم تا در آن آرام گیرند و روز را

روشنی بخش ساختیم؟ (تا در آن برای معاش خود تلاش کنند)

حتماً در این امر برای کسانی که ایمان دارند عبرت‌هایی است.

□ در قرآن برخی امور به عنوان وسیله‌ی آرامش و سکینه

معرفی شده‌اند، از جمله:

۱. یاد خدا. ﴿إِلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾<sup>(۱)</sup>

۲. امداد غیبی. ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۲)</sup>

۳. آثار و اشیای مقدس. ﴿أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ

رَبِّكُمْ﴾<sup>(۳)</sup>

۴. تشویق اولیای الهی. ﴿إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾<sup>(۴)</sup>

۵. سرپناه و خانه. ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا﴾<sup>(۵)</sup>

۶. همسر. ﴿خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا﴾<sup>(۶)</sup>

۷. شب. ﴿أَتَا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا﴾<sup>(۷)</sup>

«والحمد لله رب العالمين»

۱. رعد، ۲۸. ۲. فتح، ۴. ۳. بقره، ۲۴۸.

۴. توبه، ۱۰۳. ۵. نحل، ۸۰. ۶. روم، ۲۱.

۷. نمل، ۸۶.